

۱۹ بهمن

دانشجویی

ویژه رستاخیز سیاهکل

هدایت جنبش دانشجویی در جهت پیوند با جنبش نوین انقلابی ایران از وظایف خطیر مارکسیست-لنینیست های انقلابی است

بهمن ماه

سال ۱۳۰۵

شماره ۶

اعلامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب بدانشجویان دانشگاه های ایران مناسبت آغاز سال تحصیلی

اتحاد مبارزه دانشجویی



آغاز سال تحصیلی و آغاز مبارزه دانشجویی و جنبش آنتی امپریالیسم در ایران که با هدف پیوند با جنبش نوین انقلابی ایران است و در جهت مبارزه با امپریالیسم است.

همبستگی و اتحاد هرچه بیشتر مبارزات دانشجویی با جنبش مسلحانه خلق و بی تردید پیروزیهای بیشتری برای مبارزات نوین خلق ما در بر خواهد داشت.

رفقای مبارزان دانشجو! در سال جاری، سازمان ما که توانسته بوده به یک ثبات نسبی برسد، با آموزش و سهم پلیس مواجه شد. رژیم که از مدتها قبل از رشد و گسترش جنبش مسلحانه و تلاش آن در جهت پیوند یافتن با خلق آگاه شده بود، با استفاده از تجارب ضد خلقی خود و امپریالیسم جهانی، در صدد سرکوب این جنبش برآمد و تمام امکانات و نیروهای خود را در جهت انهدام سازمانهای دانشجویی و مبارزاتی و زاند امری بهمن منظور در همین جهت تشکیل شده است. بدنبال این پیگیریهای مداوم و بر اثر اشتباهاتی که در ارتباطات تلفنی ما رخ داد، دشمن توانست به شبکه تلفنی سازمان ما دست یابد و هم با ردگیری عده ای از رفقا، به محل تعدادی از پایگاههای ما برسد. او هراسان و وحشتزده از گسترش و ریشه دار شدن سازمان، حمله های برنامه ریزی شده ای را علیه ما آغاز کرد. دشمن قصد داشت با حمله به پایگاههای کشف شده، سازمان ما را با اصطلاح تلاشی کند، لکن بعد از محاصره و حمله به چند پایگاه، بدلیل هشجاری انقلابی سازمان، توسط رژیم کشف گردید و پایگاههای مشکوک تخلیه شد. بدین ترتیب بکار دیگر نقشه رژیم که خیال انهدام سازمان های پیشرو خلق را در بر سر می برد، پروانه نقد بر آب شد. دشمن برای محاصره هر پایگاه که در آن ایام در دسترسه فدائی زندگی انقلابی داشتند نیروی زیادی پیاپی کرده و شروع به حمله کرد. او در این هجوم وحشیانه و علاوه بر امکانات جنگی که در قتل بکار می برد، از بازوگا و هلی کوپتر نیز استفاده کرد و بقیه در صفحه ۶

مواضع استراتژیک

جنبش دانشجویی در مرحله کنونی آن

- ۱) مبارزه محبت سرکشی رژیم پهلوانی - فاشیستی و قطع نفوذ کامل امپریالیستها سرکردگی امپریالیسم آمریکا.
- ۲) دفاع و پشتیبانی همه جانبه و بدون قید و شرط از کلیه مبارزات و سازمانهای خلق بهرزه جنبش انقلابی مسلحانه.
- ۳) دفاع و پشتیبانی از مبارزات زحمتکشان، با تکیه بر مصالح انقلابی طبقه کارگر، جهت کسب حقوق دموکراتیک و سیاسی آنان.
- ۴) بکار انداختن کلیه امکانات مادی و معنوی (بسیزه انتشاراتی و تبلیغاتی) جهت برآوردن درخواستها و پیاده کردن رهنمودهای پیشاهنگام جنبش انقلابی مسلحانه.
- ۵) تبلیغ حفظیت مبارزه مسلحانه و نقش محوری آن در تمام اشکال مبارزات خلقی.
- ۶) پشتیبانی از تسایر حقوق زن با مرد و رفع تبعیضات علیه اقلیتهای مذهبی.

جنبش انقلابی مسلحانه در مرحله بسیج توده ها

- ۷) دفاع از مبارزات آنتی امپریالیستی.
- ۸) اتخاذ مواضع جهانی بر اساس سیاست خودانگاری و عدم وابستگی، جنبش سرانقلابی.
- ۹) پشتیبانی بدون قید و شرط از جنبشهای آزادیبخش جهان بهرزه در منطقه خاور میانه.
- ۱۰) همکاری با نیروهای ضد امپریالیستی، ضد رنجایی و دموکرات بر اساس منافع متقابل و مصالح انقلاب ایران.

آثار زیر توسط کمیته ایران در لندن بزبان انگلیسی ترجمه و از مدرسین قابل دریافت می باشد

- ۱- آنتی امپریالیسم باید بدانند (ترجمه علی اکبر صفائی فرزند)
- ۲- اصلاحات ارضی و نتایج مستقیم آن (س. ج. ف. آ. ج.)
- ۳- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای میشود (ترجمه بهمن جزینی)
- ۴- محاصره طاقت (ترجمه اشرف دهقانی)

Iran Committee (British Section)
c/o Gulf Committee, 6, Endsleigh
Street, London, W.C.1

گروه جنگ حکومتی بمومود آمد در سال ۱۳۴۵ گروه جزینی - طبریانی که در سال ۱۳۴۲ تشکیل شده بود، با هدف ایجاد جنبش قهرآمیز و جهت آماره ساختن تشکیلات با کیفیت جدید، تجدید سازمان یافت. گروه در جریان تدارک مبارزه مسلحانه در زمستان ۱۳۴۶ ضربه خورد و رهبران اصلی از جمله رفیق بیژن جزینی دستگیر شدند. کار درهای و قماربازان آزاد گروه فعالیت خود را ادامه دادند و گروه را تجدید سازمان دادند و این گروه بنام گروه جنگ معروف شد. رفقای فدائی خلق تکلیف گروه جنگ را ضمن بررسی خود جنبش توضیح می دهند:

" گروه جنگ بر مبنای فعالیت سه تن از کارهای سابق (محمد اشرفی، اسکندر صادقی نژاد و باحتمال قوی هادی فاضلی بودند - توضیح ۱۹ بهمن) تشکیل گردید. (این سه تن بازماندگان گروهی بودند که در سال ۱۳۴۵ با هدف ایجاد جنبش قهرآمیز در ایران تشکیل شدند و در زمستان ۴۶ این گروه ضربه شدیدی خورد و رهبران اصلی بقیه در صفحه ۶

۱۹ بهمن ۱۳۴۱ از بزرگترین روزهای تاریخی بهمن رهایی بخش خلق ایران است. در این روز خلق ایران شاهد رستاخیز سرکشی بود که با حماسه گروه جنگ، جنبش انقلابی مسلحانه تولد یافت و مبارزات خلق ایران با یک نقطه عطف کیفی وارد مرحله نوینی می گردید.

در شامگاه ۱۹ بهمن پیشتازان کوهستان، گروه جنگ با تعرض به پایگاه زاند امری در سیاهکل، رژیم فاشیست و نیکو امپریالیست شاه را بمصاف طلیخید و جزیره " ثبات و امنیت ۳۰ و رابلز در آورد.

گروه جنگ، در جوخه تانکهای سیاسی حاکم بر جامعه ما، جوی که امکان هرگونه مبارزه موثر را از توده ها و گروههای سیاسی گرفته بود. برای شکستن این جوانبوه ترس و وحشت، نبرد انقلابی خود را آغاز نمود.

هدف گروه بطور خلاص و ساده ایجاد برخورد های مسلحانه ضربه زدن بدشمن بهمنظر درهم شکستن انحصار خلقان در محیط سیاسی ایران و نشان دادن تنها راه مبارزه یعنی، مبارزه مسلحانه حمله مسلحانه بود. ۱۰۱

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بازوی مسلح و نماینده انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران است

دستگیری شد. تعدادی از ادا درها ، فرصت ضایعاته از جنبه کتاره
نیرو آوردند . و تنها در وقت اعلی ابر صطی بر فراهناستی و
محمد عطار آشتیانی . توضیح : (بهمن) از واداران تفسو-
استند از کشور خارج نبود و به جهت عدم امیرانیستی - ضد
میرویشنی فلسطین پیوندند . هدف این دو تن آن بود که
را از کسب تحارب نظامی عیصن باز گردند .

" تنها سه نفر نامبرده نه فعالیتشان برای پلیس افشا نشده
بود در ایران باقی ماندند تا گروه حدیثی را متکی بر تحارب گروه
تسلط خیره سازمان بودند . بر اساس فعالیتها مقدماتی
این سه تن ۲۴ نفر از معتمدان راه تهر آمیز در یک گروه مخفی
سازمان یافتند و شروع بعملیات تدارکاتی نمودند . . این گروه
بعدها به گروه جنگل معروف شد ، در پائیز سال ۴۷ با ۸ کادر
سازمان داده شد و تعداد نفرات در فاصله پائیز سال ۴۷ تا
زمستان ۴۸ به ۲۲ نفر افزایش یافت . (*)

گروه سن فعالیتها تدارکاتی خود نیازمان اولیه ان را از

نیل حوری ۱۴ تیفه سلاح کمری کوتاه و بلند قدی ، تهیه نقشه
مناجق شمالی ایران ، احرار برنامه های شناسائی سیستماتیک
نواحی کوهستانی ، ایجاد پایگاهی اطلاعاتی " (*) تامین کرد .
در تابستان ۴۸ رسی عطی ، نه تا این تاریخ از وضع گروه
بی اطلاع بود بر اثر جمع آوری رفا و سازماندهی آنان با ایران آمد .
او خود را با یک گروه سازمان یافته آماد مواجه دید با امیدواری

زیاد و جهت تهیه تجهیزات و سلاح برای گروه دوباره به فلسطین
رفت ، ماموریت خود را پیروز مندانه انجام داد و در بهار ۴۹

همراه رسی عطار آشتیانی با ایران بازشت .

گروه جنگل ، برای تشکیل نیازمان مادی و تدارکاتی گسروه
اقدام بمصادره موجودی بانک ملی ایران مبلغ ۱۶۰ هزار تومان
(شعبه آینه پور) نمود . تا پایان تابستان ۴۹ عملیات تدارکاتی
گروه موفقیت آمیز پایان می رسید و گروه آماد حرکت می کرد . رفا
در این زمینه می نویسد : " توسط رفا اینکه در شمال داشتیم یک
سیستم آرتوقه رسان و ارتباطی را سازمان دادیم . در شهریور
۴۹ همه چیز برای حرکت آماد بود (نقشه ، سلاح کمری ، مسلسل
مهمات ، مواد منفجره ، تجهیزات انفرادی و جمعی ، سیستم
ارتباطی و . . .) (*)

حرکت و تانک نظامی در آمان کار

" در تاریخ ۱۵ شهریور ۴۹ (دسته ۶ نفری پیشگامان کوه -
ستان) از دره " گلار " در نزدیکی جالوس حرکت خود را
بسمت غرب آغاز کرد . (*) مدت عملیات شناسائی منطقه
ماه طول کشید ، رفیق احمد زاده در این مورد می نویسد :

" این هسته حدود پنج ماه بطور مداوم سراسر جنگلهای شمال
را ، از شرق مازندران گرفته تا غرب کیلان ، در نوردیده وضعیت
اقتصادی - اجتماعی و وضعیت جغرافیائی منطقه را بطور علمی
شناسائی کرد و خود را با شرایط سخت زندگی در کوه و جنگل با
راهبها تنهایی طولانی و غیره ، در تابستان و زمستان تطبیق داد .
چنین شناسائی ، از لحاظ مدت و از لحاظ وسعت منطقه تا آنجا
که ما می دانیم در هیچ کجای دنیا و در هیچ نحره جریکی مشابه
سابق ندارد . " (*)

گروه جنگل می بایست بر اساس شناسائی موقعیت سیاسی توده
ها در محل ، که در آغاز نسبت به جنبش مسلحانه بی تفاوت می -
ماند ، نسبت بعکس العمل رژیم و نسبت با فریت اولیه گروه از
درگیری با قوای نا برابر دشمن احتیاط نماید و با وارد کردن
نفرات خود بر دشمن از محل دور شده و در محل مساعد دیگر
عملیات جرقه آسای خود را تکرار کند ، و بدین ترتیب دور بزند .
رفقا خود می نویسد :

" ما با آگاهی باین دو موضوع ، یعنی عکس العمل نظامی دستگاه
و عدم امکان حمایت مادی سربو روستائیان معین کرده بودیم که
گروه بلافاصله بیرون از ضربه از منطقه عملیات خارج شود و مدتی بعد
در منطقه ای دورتر در حائیکه دشمن اشتغال ندارد ضربه بعدی
را وارد سازد ، و کلاً هدف عملیات را تبلیغ مسلحانه و تغیر
اتسفر سیاسی در سطح کشور قرار دهد . بطور خلاصه اولیسن
هدف استراتژیست ، تغیر اتسفر سیاسی کشور و طرح عملی مبارزه

مسلحانه برای گروههای سیاسی و بیان دادن بجدال چندین سا-
لبرسزاین موضوع بود . این کار میبایست توسط گروه زنده و متحرک
عالی صورت می گرفت که ضریات کوچک ولی برسر و حد را وارد می
ساخت و مطلقاً از درگیری با نیروهای دشمن اجتناب می کرد .
(*) در رابطه با سازماندهی ، گروه جنگل شامل دو دسته بود :
دسته کوهستان و دسته شهر . رابط این دو دسته مسئولیت
رفیق حمید اشرف بود . دسته شهر در عمده در تهران و کیلان
متمرکز داشت .
گروه جنگل در شش آمانه کردن خود برای عملیات می کوشید تا
با گروههای انقلابی دیگر تماس برقرار کرده و همکاری آنانرا برای
عملیات نظامی جلب کند . بهمن جهت دشانه مذاکرات خود
را با اثر و احمد زاده ادامه می دهد . در این مذاکرات از طرف
گروه جنگل رفیق حمید اشرف و از طرف گروه احمد زاده ، خود
رفیق احمد زاده شرکت داشت . رفا در باره این مذاکرات می
نویسند :

" گروه رفیق احمد زاده ، متکی بر تحارب و نشوری انقلاب
برزلی پیشنهاد سازماندهی چند حزبیکی شهری را می داد و معتقد
بود که جنبش باید اول در شهر دور بگرد و سپس کار در روستا
متکی به مبارزه دور گرفته در شهر آغاز کرد و در این مرحله ما رزه
بطور عمده از شهر به روستا منتقل شدیم .

ولی گروه جنگل پیشنهاد آغاز مبارزه همزمان در شهر و روستا
را می داد دلیل ما حصلت تبلیغی مبارزه مسلحانه در
آغاز کار بود . ما معتقد بودیم که کار در شهر و روستا در صورت
امکان باید شروع شود . البته بتمام عملیات شهر معتقد بودیم ولی
این تقدم از نظر ما فقط جنبه تاکتیکی داشت و به منظور آماد کردن
افکار عمومی برای جذب و تاثیر به بین بیشتر از عمل توه بود . در
حائیکه این تقدم زمانی از نظر کار رفا می توه احمد زاده حتمه
استراتژیک داشت تماس دورگروه در سراسر پائیز ۴۹
بیشتر به جنبشهای شوریده گذشت . . . در اوائل زمستان ۴۹ این
مهم حاصل شد و توافقیم بر سر این موضوع که (کار در کوه را هم
اکنون باید سازمان داد) توافق برسیم . ولی گروه احمد زاده
شروع عملیات را در کوه واسته بعملیات در شهر می دانست . .
ولی ما بهرمانی معتقد بودیم زیرا دسته کوهستان آماد احرار
طرح بیت بینی شده بود و اگر عمل را طبق نقشه قبلی شروع نمی کرد
با دشواریهای بر روی می شد . (*)

در این فاصله بعکس طولانی شدن مذاکرات دسته کوه پیش از زمان
بیت بینی شده محصور به شناسائی محیط گردید . در این مدت به
کادراهای دسته کوهستان نیز دو نفر اضافه شده بودند و تعداد -
شان مجموعاً ۸ نفر بود که بعد ها با اعزام رفیق فرعودی به ۹
نفر بالغ گردید . " در اوائل بهمن این کار نیز پایان رسیده بود و
دیگر ادامه حرکت جنگل قبل برای دسته کوهستان امکان نداشت
یا باید بشهر باز می کشند و یا اینکه باید برنامه عملیاتی را آغاز
می نمودند . (*) رفا در باره روحیه رزمندگی و آمادائی بعملیات و
تصمیم دسته کوهستان برای شروع می نویسد :

" روحیه ی عالی داشتند و بصورت مردان جنگل محکم و مقاوم و با
تحربه شده بودند فرماندهی اوه اعلام داشت که در نیمه دوم
بهمن عملیات را علیرغم عدم آمادگی عناصر شهری آغاز خواهد
کرد . (*)

دیر شدن شروع عملیات تاثیر منفی بر روی کارهای گذاشت زیرا
به رژیم فرصت می داد که فعالیتها را گروه را کشف کرده و به گروه
ضربه وارد کند و آنرا وادار بدرگیری پیش بینی نشده ای با دشمن
مستازد و در نتیجه تمام عملیات تدارکاتی را بی ثمر سازد .
تاخیر در شروع عملیات در عمل به گروه جنگل ضربه زد . در این
فاصله رفیق غفور حسن نیز دستگیری می شود و پیراز ۲۰ روز شکنجه
که موجب شهادت او می گردد اسرار غیر لایق را که در رابطه با
دستگیریش نیوده ظنی می کند . دشمن با کشف این اصرار
حمله خود را به دسته شهری گروه جنگل شروع می کند که در
فاصله ۲۴ ساعت سه نفر در کیلان و پنج نفر در تهران دستگیر
می شوند و از دسته شهری گروه جنگل فقط پنج نفر باقی می ماندند
و شکه شهر گروه دردم می نکند . دانه ضربه به سياهک هم

کشیده می شود و در آنجا رفیق ایرج نیری (معلم سیاه دانتن)
دستگیر میگردد . این دستگیریها در روز ۱۳ بهمن اتفاق افتاد .
رقضای دسته کوهستان بدون اینکه از دستگیری رفیق ایرج
نیری آگاهی داشته باشند برای مطلع کردن او از خطر موجود
رفیق هادی بنده جدا لشکروی را به محض او می فرستند . این
رفیق با محاصره خود از طرف دشمن مواجه می گردد که کار سه
درگیری مسلحانه می انجامد " رضائی که در ارتفاعات بودند با
صدای تیراندازی از واقعه مطلع می شوند و تزاری می شوند ضعیف
شرح قبلی حمله را شروع کنند و نمنا " مویاب رعاشی رفیق زندای
را فراهم آورند . " (*)

شروع عملیات مسلحانه در ۱۹ بهمن ۴۹

" ازین حربه خبری بر می حورند "

" در شامگاه ۱۹ بهمن آنها (دسته کوهستان) از مواضع
خود خارج شدند و بیراز تصاحب یزد انیمور کوه در حاده
سیاهک - لوند به سياهک حمله کردند . عدد اصلی پاسگاه
را نادر امری و بیست جنگلدار بود . در این حمله تمام موجود
سلاحهای پاسگاه که عبارت از ۹ فینه دست ام - یک
و مسلسل بود تصاحب گردید . در این عمل معاون پاسگاه
سياهک و فرد دیگر ، وحدهتی که صاحب خانه نیر و رئیس خانه
انصاف بود ، همان کسیکه با یک شناسائی و دستگیر رفیق عامر
بنده خدا لشکروی گردیده بود (بهمن) شسته شدند
و رفا بدون دادن تلفات به ارتفاعات حتی عقب نشینی کردند .
(*)

سیر دشمن محل را محاصره کرده و بطور متمرکز بر روی رفا
آتش می کند . رفا مدت ۲۰ روز با قوای دشمن که بطور بوق -
العداده تجهیز کرده بود حمله کردند و بر آن تلفات زیادی وارد
کردند . در این مورد رفیق بیژن جزینی می نویسد :
" از ۱۹ بهمن تا ۸ اسفند ۴۹ فاصله ایست که نیم جنگل مورد
حمله متمرکز نیروهای دشمن قرار گرفت . آسپاد لیرانه نبرد کردند
و بیست از ۶۰ نفر اضر ، درجه دار و سرباز دشمن را از زیبایی
در آوردند . " (*) در باره شهادت و دستگیری فدائیان
دسته کوهستان گفته می شود :

" بیراز حلق سلاح پاسگاه و برخورد های مددی افراد دسته
بدو بخش تقسیم می کردند . رفا صفائی ، انفرادی و عوشت
نیری بکنگه بازی می کردند . شیخ فرماندهی رفیق احمد فرعودی
در ارتفاعات می مانند . در قریه جهل ستون رفیق صفائی و
عمراهان به یک خانه دهقانی وارد می شوند . رفیق
انفرادی با مسلسل با ساداری می دهد . ولی معلوم نیست که چه
دلیل او نیز بداخل خانه می رود . در اینجا سه رفیق جوت هر
بیت حد اگانه مورد حمله ناگهانی عده ای از روستائیان به رهبری
کدخدا و سياهی دانش قرار می گیرند ولی این رفا بخاطر اینکه
یک روستائی آسیب نبیند اقدام مسلحانه نازندند . . . در سر
خود هتائیکه بین دسته دوم با دشمن روی می دهد مددی احضاری
و رحیم سماعی بیراز نابود کردن نفراتی چند از نیروی دشمن
سر انجام هتائیکه فتنهباشان با تمام رسیده بود با دست زدن
بعمل فدائی با انفجار نارنجک خودشان را با چند تن از عوامل
دشمن نابود ساختند . رفا احمد فرعودی و دانش بهزادی
بیراز نبردهای سخت و خونین و بهلاکت رساندن تعصبات
زیادی از عوامل مزدور دشمن اسیری کردند . رفیق محدث
قدنجی بیراز در محاصره و اسارت رفقایش موفق می شود
از منطقه فرار کند و نیز در ۸ اسفند نیمانجان در اطراف سیا -
هک اسیری می شود . باین ترتیب ۹ نفر اعضای نیم جنگل ، دو تن
شهید و هفت تن اسیری می گردند . اسرا بلافاصله به تهران
منتقل شده و همرا با داشتندگان دیگر مورد شکنجه و عذاب
و انتقامجویی شدید قرار می گیرند و کلبه مراحل تحقیقات بازجویی
و تشریفات محاکمه برای آنها طی بیست و چند روز سیری می شود
و همرا شش رفیق از مسئولین شهری گروه ، در روز ۲۶ اسفند ماه
۱۳۴۹ تیرباران می شوند . (*) نامهای رفاقی شهید
جنگل و نحوه شهادتشان بدین سان است :

(۱) - رفیق علی اکبر صفائی فراهانی (تیرباران)

بقیه در صفحه ۳

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با پیشاهنگان انقلابی مسلح خلق

- ۱- رفیق جلیل انفرادی (تیرباران)
- ۲- رفیق عونتک نیوری (تیرباران)
- ۳- رفیق احمد فرهودی (تیرباران)
- ۴- رفیق عباس دانش بهزادی (تیرباران)
- ۵- رفیق محمد قسدجی (تیرباران)
- ۶- رفیق هادی بنده خدا انگرودی (تیرباران)
- ۷- رفیق مهدی اسحاقی (شهادت در نبود)
- ۸- رفیق رحیم مسماعی (شهادت در نبود)

نامهای رفقای شهید دسته شهر گروه جنگل

- ۱۰- رفیق عباسی (تیرباران)
 - ۱۱- رفیق شعاع الله منبیدی (تیرباران)
 - ۱۲- رفیق اسمعیل معینی عراقی (تیرباران)
 - ۱۳- رفیق سید دلیل صفائی (تیرباران)
 - ۱۴- رفیق اسکندر صادقی نژاد (تیرباران)
 - ۱۵- رفیق غفر حسن پور (شهادت زیر شکنجه)
- از دسته شهری گروه جنگل که در فروردین ماه با گروه احمد زاده اقدام شد و سازمان جریکهای فدائی خلق ایران را تشکیل داد
- و نرفاقی ماندند. این رفق عبارت بودند از:

- ۱- رفیق حمید اشرف
- ۲- رفیق اسکندر صادقی نژاد
- ۳- رفیق محمد صفاری آشتیانی
- ۴- رفیق منوچهر بهائی پور
- ۵- رفیق رحمت پیروز نذیری

" این عددها در تاریخ ۱۸ فروردین ... با انجام اقدام رفقای خود رئیس ادوسی ارتش رژیم را در یک محکمه انقلابی محاکمه و او بهرگ محکوم گردید ، و حکم اعدام او در سرکاره همان روز در مورد او با اجرا درآوردند . " (**)

ایمان انقلابی ، آگاهی راستین انقلابی و نمونه برجسته کمونیستهای انقلابی ایده انقلابی مبارزه مسلحانه را که گروه جنبش - طریقی از روی ارزیابی دیالکتیکی و ماتریالیستی خود ، بهتایه عالمگیری در شکل مبارزه و تنها راه رهائی خلق ایران درک کرده بود ، طی حمله ای بی نظیر از اندیشه به عمل تبدیل کردند .

رقفای جنگ طی حمله رستاخیز سیاهک جان جرقه ای را بوجود آوردند که به حریق تبدیل شد . حریقی که جنبش انقلابی مسلحانه خلق ایران نامیده می شود . جنبشی که در تکامل خود قادر است ارتجاع و امپریالیسم را بزانو درآورد و حاکمیت غارتگر و جنایتکار آنان را در ایران ، یعنی رژیم فاشیستی و نوکر امیر - یالیست شاه را نابود سازد .

صداقت کمونیستی ، دیدزرف انقلابی و وفاداری راستین رفا به طبقه کارگر ایران ، آنان را به ستارگان راهنا و سمسمل انقلاب و پایداری ، ایمان انقلابی ، جسارت انقلابی و فداکاری تمام عیار تبدیل نمود که در تمام پروسه مبارزه طبقاتی جامعه ما الهام بخشی همه عناصر صادق انقلابی و پیوندگان راه رهائی خلق و زحمتکشان و طبقه کارگر ایران می باشد .

عظمت این عطف انقلابی مبارزات خلق ما چنان بود که رژیم قدر شاه برای مقابله با یک دسته ۸ نفری فدائیان کوهستان چنان نیروی بسیج کرد که در تمام گذشته با این ابعاد بسی سابقه است . رژیم که دشمن واقعی خود را خوب می شناخت و از ظهور وحشت داشت اکنون با آن روبرو بود و با تمام قوا می کوشید که جنبش نوین انقلابی را در نطفه خفه سازد . دشمن نیروی وسیعی را در شمال بسیج کرد . هزاران نفر را به منطقه گسیل داشت . " سپهدا اویشی فرمانده و اندامی کل شخصاً در سیاهک ستاد عملیات تشکیل داده و عملیات را رهبری می کرد . غلامرضا برادر شاه هم برای بازسی و سرکنش به سیاهک اعزام شده بود . افراد هفت و اندامی گیلان تمام خطوط مواز اضلاقی منطقه را ندیده کنترل میکردند و منطقه را محاصره و در آورده بودند و یک گردان ارتشی از یادگان منجیل بسست منطقه بحرکت درآمده بود . " (***)

اما تمام این اقدامات رژیم بی نتیجه بود ، زیرا شروع مبارزه مسلحانه بهتایه یک ضرورت تاریخی در جامعه ما اجتناب ناپذیر بود ، و بی بایست توسط گروهی پیش ناز تدارک دیده می شد و

در عمل پیاده می گردید . و این عمل با رستاخیز سیاهک انجام یافته بود . تلاش مذبحخانه رژیم بی نتیجه ماند . جرقه انقلابی در کوههای جنگلی سیاهک تبدیل بحریق شد . در اینجا جنبش انقلابی مسلحانه خلق آغاز شد و از این تاریخ است که روز بروز این جنبش انقلابی در ابعاد کئی و کثیفی رشد می کند و تناسب بین قدرت خلق و رژیم را بنفع خلق تغییر می دهد .

با رستاخیز سیاهک جنبش انقلابی مسلحانه شروع شد و در ضمن تداوم مبارزه مسلحانه ، سازمان جریکهای فدائی خلق ایران بوجود آمد و در ادامه مبارزه مسلحانه جو اختنای سیاسی شکسته شد .

ایجاد سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

تا اعدام انقلابی فرسیدی خاثن ، با اینکه در کوه جنگل و احمد زاده رابطه خود را باهم ادا نه می دادند و هم اداریاتی بین آنان وجود داشت که از جمله اعزام یک نفر از گروه احمد زاده بسیاهک می باشد . لکن هنوز این دو گروه انقلابی از برنامه ها و اقدامات یکدیگر بیخبر و دقیق اطلاع نداشتند . در حالیکه رشته شهری از گروه جنگل ، که در واقع نیز بقا یای گروه نیز بود ، اقدام فرسیدو را تدارک می دید . گروه احمد زاده به کلانتری قزک در نزدیکی خانه فرسیدو محل اعدام این خائن جنایتکار) حمله نمود سلسل شهبان کلانتری را محاصره کرد ، بدون آنکه از طرح رفقاز جنگل بقصد اعدام فرسیدی خاثن اطلاع داشته باشد . " پس از این اقدام عملی بود که دو گروه "املا" بهم نزدیک شده و سرانجام در هم ادغام شد و سپس با صدور سیزده اعلامیه در باره سیاهک و دیگر مسائل مبارزه مسلحانه ، جریکهای فدائی خلق بشهر رسید .

(***) این وحدت انقلابی نمونه برجسته وحدت کوههای پیشرو انقلابی است با اتکا بر تئوری مارکسیسم - لنینیسم انقلابی و عمل انقلابی مسلحانه و بنیادین است برای هر جریان واقعیسی انقلابی که مشتاق وحدت با کوههای انقلابی دیگری باشد .

شکست تاکتیکی و اما پیروزی استراتژیکی گروه جنگل

پس از آغاز جنبش انقلابی مسلحانه در ۱۱ بهمن ۱۳۰۵ ، تاکنون نتایج سیاسی - اجتماعی آن بارها از جانب جریانهای انقلابی درون جنبش ، اپورتونیستها و حتی محققین ارتجاعی رژیم و امپریالیستها ، مورد بررسی قرار گرفته است .

رژیم سعی کرد با بیزرک کردن شکست تاکتیکی سیاهک اعمیت استراتژیکی آن ، و شروع جنبش انقلابی مسلحانه را در تبلیغات خود علیه خلق نفی کند . رژیم با نفی استراتژیکی رستاخیز سیاهک ، باین نتیجه می رسید که راه تهر امیو مبارزه هم در ایران تا معن است . در حالیکه با شنا بزرگی ، خود را فاتح و مطلق العنان جلوه می داد ، لکن ادامه مبارزه رفقابرجم خونین سیاهک را برافراشته نگذاشت ، اقدام فرسیدو انفجارات عیدیه علیه یست های حساس رژیم ادامه مبارزه ای راه که در سیاهک شروع شده بود ، دو باره در سراسر جامعه و در انظار روشن بین خلق بدرخشش در آورد . رژیم شکست استراتژیکی خود ، اششکار عمل را در مبارزه اثر علیه جنبش انقلابی مسلحانه از دست داد و حتی در عرصه تبلیغات نیز رسوا گردید . خلق بدرستی درک کرد که رژیم قدر شاه ، نه قدرت مبارزه با جریکها را دارد و نه جرات بیان حقایق را .

اپورتونیستهای بی عمل در خارج از کشور کوشیدند تا در لطفه تشویک با برجستهبانی از قبیل ماجراجوئی خرده بوزواشی ، مبارزه غیر کارگری ، مبارزه بدون اتکا به توده ها ، ، ، جنبش انقلابی مسلحانه را مورد حمله قرار دهند . آنها با طرح نظریه کار آرام توده ای ، مبارزه مسلحانه در شرایط جامعه ما را خونریزی بیپوده و اقدامات عجولانه روشننگران جدا از توده قلمداد می نمودند . آنها می دانستند که جنبش انقلابی مسلحانه ، طومار تلاشهای بی حاصل آنان را نیز بیاد داده است . اپورتونیستها بعثت منافع محدود و دید کوتاه بین خرده بوزواشی خود توانایی انجام چنین مبارزه ضروری را ندارند و ترجیح می دهند عمل را به آینده ای موعوم موکل سازند . ایگان بجای درک صحیح از جنبشی که جلوی چشمانشان در حال غریدن و بالیدن بود داشته باشند ، بفرود نشد مشغول شدند . ضربه رژیم فاشیستی را بتر پیشانان جنبش رهائی بخش خلق نابودکننده جلوه دادند .

و این تصور ناطل را جایباندازند که کویا عزیز شرایط برای مبارزه مسلحانه " مبارزه نهائی " فراهم شده است . ادامه مبارزه گروه جنگل و تثبیت جنبش انقلابی مسلحانه ، این اپورتونیستها را نیز رسوا نمود . و برای همیشه بین راه آنان و راه پیشگامان خلق موز بندی کرد .

در سطح انقلابیون راستین خلق

رستاخیز سیاهک راه مبارزه رهائی بخش را نشان داده و آترو در عمل پیاده کرد . نقش استراتژیکی جنبش انقلابی مسلحانه چنان تاثیر عمیقی بر روی سازمانها ، گروهها و عناصر انقلابی داشت . نتیجه این تاثیر ، تجدید سازمان این جریانهای آماره شدن برای عمل مسلحانه بود . سازمان معاهدین خلق و " گروه آرمان خلق " اولین جریانهائی بودند که سرکرد پیش آگشت خلق بیوسه و دامنه مبارزه پیش آگشت مسلح خلق را بگسترند . حلقه نیروهای وسیع انقلابی مبارزه مسلحانه ، حقانیت این مبارزه را در سطح جامعه تثبیت گردانید ، یعنی هر گروه جدیدی که از این سربرای مبارزه جدی بوجود آمد راه انقلابی سلحانه را پیش گرفت . جنبش انقلابی مسلحانه بهتایه طاز نوینی از مبارزات خلق ، جنبش رهائی بخش را از اسالیها گردود و مبارزات محلی و تداومی بیرون آورد ، مبارزه تاریخ و رویاری با رژیم کثانید و حالت تعرضی مبارزات پیش آگشت داد . این جنبش با اعمال تهر انقلابی نثرات خود را با خلق در میان گذاشت و بعثت درستی اش اعتماد تمام انقلابیون را به خود جلب کرد . نشست تاکتیکی سیاهک برای مبارزه راستین درس بزرگی بود تا بدیوان طولانی تدارک خاشه دهند و وارد عمل شوند و مسائلی را که تنها در عمل حل شدنی است از جمله ، انقلاب ویژه جامعه ما ، با شرکت در عمل حل کنند در خارج آن که ممکن نیست ، تاکنون معنی زمان و نقش منفی آنرا در هنگام تدارک در نظر بگیرند . برای ایقان نقش موثر از حالت انفعال و تداومی بحالت فعال و تعرضی ارتقا دهند

شکست تاکتیکی گروه جنگل

گروه جنگل بعثت تاکتیکی شکست خورد ، شکستی که کاملاً اجتناب پذیر بود و می توانست با بکار گرفتن همان توانین جنگ جریکی ضربه های بوق آسا بدشمن وارد سازد . برای پرمیاز از دیگری موضعی با قوی نابرابر دشمن ، دور شدن از محنه عملیات نا - مساعد و وارد کردن ضربه در نقاط عطفی شده دشمن و تداوم این تاکتیکی با بکار گرفتن سه اصل جریکی " عدم اطمینان مطلق ، تحرك مطلق و هویشیاری مطلق " می توانست ادامه یابد . مناسبه بسلت عدم رعایت کافی این اصول جنگهای جریکی ، اصولی که خود در تئوری بدان واقف بودند و حتی بعضی از رفقای تجربه جنت جریکی در منطقه فلسطین بودند . این نقاط ضعف رفقها بود که دشمن برای ضربه زدن بان استفاده کرد . این شکست تاکتیکی امکانات زیادی را از دست کوه گرفت و جنبش سلحانه برای مدتی از داشتن چنین تجربه ای محروم ماند .

اثرات اجتماعی و تاریخ ساز رستاخیز سیاهک

جنبش انقلابی مسلحانه با انتقاد سلاح ، تمام انتقادات گذشته انقلابیون به اپورتونیستهای تسلیم طلب و بی عمل را معیار عملی داد . ضرورت مبارزه مسلحانه را امکان تدارک آن را ، امکان بوزو آترو را جامعه ، قدرت درگیری آنرا با میری برانست قوی تر از خود یعنی با رژیم فاشیستی گزیر حمایت امپریالیسم جهانی می باشد نشان داد . وجود ظرفیت انقلابی در عناصر و گروههای انقلابی را آشکار ساخت . امکان بهره گیری از نیروی انقلابیون و قابل اعتماد بودن آنان را اثبات کرد . وفاداری پیشاهنگان طبقه کارگر را با هر خلق و بکمونیسم معلوم کرد و ضرورت وارد عمل گسردیدن را اثبات کرد و نقاط ضعف دشمن ، حساسیت و وحشت آنرا از مبارزه مسلحانه هویدا نمود . مرز بندی دقیق با اپورتونیسم تسلیم طلب و بی عمل کرد و ترس و تردید و بی قیدی روشننگران خرده بوزواشی را بر مولا ساخت . انحراطات اپورتونیستها را که بقدرت جهانی و خارجی برای تحولات جامعه ایران انتقاد داشته و وابسته هستند اثنا کرد . انحرافی را که که برای تغییر شرایط جامعه و بجای توسل جستن به نیروی توده ، و تاثیر خود بر روی آنان و بالاخره تسریع بقیه در صفحه ۴

سرنگون باد رژیم موناارگو فاشیستی شاه نوکر امپریالیسم جهانی

رشد مبارزه خلق، با تفکیر، مقتدرت‌های ماروا، توده‌ها، عوامل مسلح سیاسی، نه‌صبر و انتظار، و در آخر به تخریب خود خودی شرایط شده دارد.

رستاخیز ساهگل محدود بودی دامنه فعالیت اپوزیسیونها. در حیطه امکانات اهدائی قدرتها ی حاکم را اثناء آنکه در حینتون جهان شیوه، محتوای مبارزاتی و شعارها می هستند که براد سرپوش، خودشان بی‌خطر مطمئن باشد، اگر چه محتوای مبارزه تا بی‌شمری بزیاد شد.

رستاخیز سياهگل برای برآمدن صحیح به تمام این مقولات احتمالی، برای اولین بار معیار واقعی، عقلی و انقلابی دست داد. و در وقت مشت و منی را در مقولات مبارزاتی خلق ایران برجسته نمود و بر این موال جایگاه والای پیشاهنگان راستین خلق را در بین خلق خود تثبیت کرد.

رستاخیز سياهگل نشان داد که پیشرو واقعی از طریق مبارزه مسلحانه بوجود می آید. و روشننگران انقلابی و عناصر آگاه طبقه کارگر با آنکه به این مبارزه قادرند به پیشرو واقعی تبدیل شده تعداد از دست رفته خلق نسبت به پیشاهنگ را دوباره بدان بازگردانند.

سرگرمی همه این رستاخیز نبود که این بار کمونیستها در راس جنبش انقلابی قرار داشتند، محدود منکر و موجد آن بودند و این می توانست - همانطور که نیز صورت گرفت - بر حرکت استراتژیک مبارزه رهائی بخش تمین کننده بگذارد و پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر را برچند از جنبش‌رهای بخش خلق ما گرداند.

رستاخیز سياهگل برای اولین بار با روزیوسیم حزب توده و با اپوزیسیونهای رنکارنگه و با جبهه ملی و با تمام ستد های ستی مبارزه آن‌ها که بارها جنبش را به شکست کشانده بود، با شیوه تومری خوبی های دائمی، و فعالیت در چهار جوب علی و در محدوده امکانات قانونی، و بطور اساسی و قاطع مرزبندی کردند و مبارزه مسلحانه را محور تمام اشکال مبارزات خلق قرار داد و عمارت دیگر این رستاخیز سياهگل شکستی بود عظیم بر سازماندهای ستی حزب توده و جبهه ملی و برکردن آنان از مبارزه بروحیه صمیم رهبریشان در مبارزه با رژیم و بالاخره شکست استراتژیک ای جویانهایی ستی را تثبیت نمود. و بدلت تمام این دستاوردها، رستاخیز سياهگل را بحق می توان و باید - نقطه عطفی در مبارزات خلق ما دانست که مرحله پیروز شده و نیونی را در مبارزه خلق ما آغاز کرد.

بقی بیرون حزبی از پیشگامان جنبش نوب انقلابی طبقه کارگر مبارزات خلق را در رستاخیز سياهگل جمعیتی کرده و می نمود:

۱- بد نال شکستهای تاریخی جنبش کارگری و جنبش رهائی بخش و بد نال تسلیم ظلمی رهبران اپوزیونیست و بد نال سالها مبارزه محلی که نتوانسته بودند دشمن را بطور جدی بمبارزه - سرا خواند، سياهگل نقطه عطفی بود در پایان عقب نشینی جنبش و آغاز زیپشوری آن. رژیم که نقطه عدت کژهای قبل از سياهگل - سرست از پیروزی بر مخالفان خود صاحبی های تلویزیونی ترتیب می داد و شاهکارهای خود را از قبیل کشتن بختیار در عراق و ساختن شبکه پلیسی" تشکیلات تهران" و نقش حائثانه عباس شهرداری (اسلامی) در این جریانها و مبدان دادن به نادمی از راه برگشته و برج خلق می کشید و روزنههای امید مردم را نیز ضریبات بد بینی، و خیانت و شکست گرفته، و خود را شکست ناپذیر تر از همیشه نشان می داد، درست هنگامیکه انتشار ندانست، با بیرون جنبش مسلحانه روبروشت و بسا عتس العطفیای شتابنده خود اعلام کرد که جنبش مسلحانه حریف اصلی مردم میدان مبارزه با اوست. (باید دلیل است که سياهگل نایسته نام رستاخیز است. - (***)

در همان هنگام که رژیم موفقیتهای مبارزه مسلحانه را واگون در انتظار خلق جلوه می داد، خود را مجبور می دید که تاخیر سياهگل را بر روی مردم زایش کند. در همان هنگام که مسئله را فیصله شده معرفی می کرد، و خلق سلاح کلاتری طبقه و اعدام انقلابی فرسیوه و مصادره یانت آیرنه‌سوار و دهها عین نظامی دیگر

توسط جریکها، و دروغ پوری ادعای آنها در ابدام جنبش انقلابی مسلحانه بر ملا نمود.

رژیم و جنبش بزه بر در دو دیوار تمام شهرونها و روستاهای ایران عکس و عر از رفتاری فدائی، اعضای سازمان جریکهای فدائوسی خلق ایران را نصب کرد. این رژیم و اعداهاست اسناد حواست که باین اصطلاح " قدرت مطلق" در دستگیری فدائیان انقلابی بی خلق نگذشت. این امر خود بر اساس سیاست بزرگ دیگر رژیم مغرب، و خاش و حاشی بود. شاه و سید که رستاخیز سياهگل آن یزادی را بعرضه مبارزات ستی و ملی خلق مسا وارد ساخته است که گویند، رژیم نوکر امپریالیست اوبی باشد او تا توانی حید را برای جلوگیری از ظهور این جنبش انقلابی مسلحانه که بدنه انقلاب رهائی بخش ایران می باشد نظیر عینی لمس کرد.

با رستاخیز سياهگل راه انقلاب و شیوه محور مبارزه مسلحانه سازمان انقلابی مسلح پیشاهنگ خلق و پیشاهنگی کمونیستها در انقلاب ششدر گردید. جوخفغان سیاسی در جامعه تغییر سید و جنبش انقلابی مسلحانه و مبارزه انقلابی مسلحانه را در مقابل عاشر حقایق سیاسی رژیم قرار داد. اگر تا قبل از رستاخیز سياهگل نسبتا این رژیم بود که با قدرت عاشری خود، و جامعه را در جنگال احتشاق فاشیستی خود قرار داده بود و هر آنچه در عین های سیاسی موجود نمی خواستند با تدارک مبارزه مسلحانه، و از نگاه مسلح و کیفیت بیابند و از خوردن کاری و حملات شاجوانی و آمد و شد های حسنه کننده و یکدوخت و بی برنامه رهائسی یابند ناچار بود به تومری خوبی دائمی و یکدانه که در بین حال شهرو، انقلابی و ترس آنان بود، تن به دهند. اما اکنون جنبش انقلابی مسلحانه و در حکم بازوی انقلابی مسلح خلق ظاهر شده بود و بخش خود را برای نشان دادن راه درست مبارزه و بیرون کشیدن این معطلها از انحرافات طولانی نشان داده بود.

رستاخیز سياهگل آغاز جنبش انقلابی خلق ایران و ادامه آن با بایداری مبارزه مسلحانه توسط سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران و دشمنان گروه انقلابی دیگر، و این جنبش در سطح جامعه ما تثبیت گردید. سازمان جریکهای فدائی خلق ایران با جمعیتی و عضیاتی مسلحانه گروه جنگ در سياهگل، در رسپای زیر را از آن جدا نمود و راهمای انقلابی را ستین قرار میدهد.

۱- از تحارب دسته کوهستانی می توان نتایج زیر را گرفت: ۱- گروههای کوچک می توانند مبارزه مسلحانه را تدارک و آغاز کنند. ۲- عامل متنی است، لازم است در یک لحظه مناسب عمل آغاز شود. ۳- در آغاز گروه باید بخود متکی باشد و با آنکه خودش عمل را شروع کند.

۴- سازماندهی شهری باید بر تمام قوتند می بی ریزی شود و حتی کادر های اساسی باید حرفه ای و مخفی باشند، هر چه کادر حرفه ای بیشتر، بهتر.

۵- عناصری که شناسایی و اطلاعاتشان زیاد است، نقا ط خطر محسوب می شوند و حتی باید از دسترس پلیس خارج شوند. ۶- باید از هر وسیله ای برای وصول به هدف سود جست و از رمانتیکس انقلابی پرهیز کرد.

۷- در عملیات جریکی باید روی عکس العمل نظامی تمرکز یافته دشمن حساب کرد و با رعایت اصل (تحرك مطلق) اقدامات دشمن را بی اثر گذاشت.

۸- سه اصل طلایی جریکی، تحرك مطلق و عدم اطمینان مطلق و هوشاری مطلق را باید همیشه و همه جا رعایت کرد. (ب) تکامل جنبش انقلابی مسلحانه

اکنون شش سال از ۱۹ سپس میگذرد و جنبش انقلابی هفتمین سالگرد آغاز جنبش انقلابی مسلحانه را جشن میگیرد. دو سازمان پیشاهنگ انقلابی خلق - سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران - در صف اول مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم و رژیم یاسد از منافع آنان قرار گرفته اند. گروهها

و عناصر زیادی بمبارزه مسلحانه جلب شده و باین دو سازمان انقلابی عیب جذب گردیده اند. مبارزه مسلحانه در سطح جامعه مدنی است که تثبیت گردیده است. با اینکه جنبش انقلابی صدها نفر شهید و هزاران نفر اسیر داده است، با اینکه جنبش انقلابی صدها نفر که خلق نظیر داییی در اختیار این سازمان های انقلابی می گذارد و چنان توانایی به آنها داده است که از گروه های کوچک آغازین به سازمانهای نیرومند گونی تبدیل شوند رژیم راستامل نمایند. از یکطرف ابعاد جنایت ها و خونریزیهای رژیم شاه در این سالها چهره سفاک و خائن آفرینش از پیش در انتظار خلق و جهانیان همدا کرده است و از طرف دیگر رشد بیوقف این سازمانها، بسی شاستر بودن عملیات سرکوب فاشیستی آنها نشان میدهد. ادامه مبارزه در همین دوران کوتاه نغفظ نصبر و مطلق و - ضعف مطلق، خلق و قدرت مطلق" رژیم - در افکار عمومی تغییر داده است، بلکه توانایی عظیم خلق را در بایداری و نبرد فرزندان خلف انقلابین علیه دشمن آشکار کرده است. در همین مدت کوتاه که در مقایسه مبارزات طولانی خلق در گذشته ناچیز است و چنان اعتمادی نسبت به سازمانهای پیشاهنگ در افکار توده بوجود آمده است که تاکنون بی نظیر بوده است.

جنبش انقلابی مسلحانه، اکنون بعنوان يك جریان قاطع انقلابی در ایران تثبیت گردیده است و با دستاوردهای نوبش، با اهداف مرحله اول استراتژیک جنبش نائل گردیده است. جنبش انقلابی مرحله نوبی را از هدفهای استراتژیک خود میگذراند. برای شناسایی جنبش و سازمانهای پیشاهنگ آن، لازم است بر روی این دستاوردها تکیه کنیم و نتایج لازم را جهت پشتیبانی از مبارزات این ستد زمانهای پیشاهنگ اخذ کنیم. بدو لازم است بدانیم که جنبش انقلابی مسلحانه چه هدفهای استراتژیک را از همان آغاز مبارزه در برابر خود قرار داده بود.

جریک فدایی خلق بیرون حزبی در تحلیل دیالکتیکی خود از قابلیت نونندبهای مبارزه مسلحانه و سازماندهی پیشاهنگ در جامعه ما مراحل استراتژیک جنبش انقلابی مسلحانه را به سه مرحله بدین سان تقسیم میکند:

۱- " استراتژی جنبش انقلابی ایران دارای سه مرحله است. مرحله اول، مرحله تثبیت مبارزه مسلحانه است. در مرحله دوم توده ها بمبارزه بر ضد دشمن خلق دست زده از جنبش حمایت مادی و معنوی میکنند. در مرحله سوم مبارزه توده ای میشود یعنی جنبش تبدیل بنبرد توده ای شده و با حاصلت دمکراتیک حاکمیت خلق را جابه عمل میپوشاند.

در مرحله اول دو هدف در مقابل جنبش قرار گرفته است: الف- ایجاد پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر و آماده کردن شرایط برای تأمین هرزونی طبقه کارگر در انقلاب.

ب- شناساندن مبارزه مسلحانه بنوده ها و ایجاد جو سیاسی در جامعه که مقله به بسج توده ها است. رسیدن مردم به هدف عده از طریق برانگیختن انقلابی میراست. (***) اکنون بیستمین آیا جنبش انقلابی مسلحانه به هدفهای استراتژیک مرحله اول خود دست یافته است؟

نخست: آیا جنبش انقلابی مسلحانه توانسته است پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر را ایجاد کند. شرایط لازم را جهت تأمین هرز - مونی طبقه کارگر در انقلاب سازد؟

در جامعه ما اکنون دو سازمان سیاسی نظامی با آنکه به آیدولوژی مارکسیسم لیننیسم وجود دارند که طی شش سال مبارزه انقلابی مسلحانه آیدیده شده اند. این دو سازمان در جهت پیوند با طبقه کارگر و زحمتمندان ایران کوشش میکنند. یکی از این دو سازمان مان یعنی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران از همان آغاز با آیدولوژی طبقه کارگر فعالیت انقلابی مسلحانه را شروع کرد و سازمان مجاهدین خلق ایران که در ابتدا آرایش مدعی داشت ضمن مبارزه و در برانگیختن انقلابی ضرورت پیوند بیش از پیش طبقه کارگر و زحمتمندان و حرکت از صالح آنان را تجربه نمود. در خلال همین مبارزه انقلابی بی بود که اشکالی سیاسی - آیدولوژیکی یافت و اکنون گسردان جنبش کمونیستی و کارگری را ترویج نموده است. این امر بر روی طبقه در صفحه ۷

پیروز باد جنبش انقلابی مسلحانه در راه بسیج توده‌ها

ترتیب سطح سیاسی توده ها ارتقا میابد و مبارزه آگاهانه خود روی میآورد.
 این دخالتات سیاسی نظامی در مبارزات خلق، از یکطرف دشمن را تضعیف مینماید و از ابتکار عمل آن میگذرد، از طرف دیگر توده زحمتکش استعمار شده و مستکمل خلق را به ادامه مبارزه تشویق میکند. با این طریق، در شرایط جامعه ما، رابطه پیشاهنگ با توده برقرار و تحکیم میگردد. در این حالت خلق سرزودت مبارزات خود را همگون با سرزودت مبارزات جنبش سلحشانه پشروان خود مینماید، و میگردد به آن کمک مادی بکند. اکنون دیگر همساز بسیج توده بندهای پیشاهنگ انقلابی خود پاسخ مثبت میدهد، و تحت رهبری آن بطور روز افزون مبارزه خود را توسعه میدهد و رشد میدهد. در این روال و در عمل انقلابی است که مبارزات توده ای میشود. در خلال چنین براتسک انقلابی است که عناصر پیشرو و آگاه طبقه کارگر و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی سازمانهای پیشاهنگ طبقه کارگر جلب می شوند و صفوف آنها تقویت میگردد. از یکطرف مبارزه توده ها رشد میکند، از طرف دیگر امکانات سازمانهای پیشاهنگ وسیع میگردد. در این روال سازمان سیاسی - صنفی وارد فاز بعدی خود میگردد. حزب واحد طبقه کارگر بوجود میآید، ارزش خلق ایجاد شده، و توده ها در مبارزه سلحشانه نقش کمین میکنند. جنبش انقلابی سلحشانه وارد مرحله سوم تاریخ انقلاب میگردد و جنگ خلق شروع میشود.

جناح سیاسی جنبش انقلابی سلحشانه و کیفیت وظایف آن

با روشن شدن نقش محوری مبارزه سلحشانه نسبت به سایر اشکال مبارزه و تقویت رهبری سازمان سیاسی - نظامی پیشاهنگ طبقه کارگر بر کلیه سازماندهای خلقی، اکنون کمی بر روی نقش جناح سیاسی سازماندهای دانشجویان در جنبش توجه مینمائیم.
 همانگونه که در پیش بیان گردید، هیچ سازماندهی و هیچ مبارزه خلقی نمیتواند مثبت و مترقی، موثر بجا آید و رشد یابد، مگر در جامعه ما بعد قیامی خود نائل گردد مگر حول محور مبارزه سلحشانه و در پیوند با سازمانهای سیاسی - نظامی پیشرو قرار داشته باشد. با این مشخصات و با این کیفیت امکان مبارزات سیاسی - صنفی در بین بخشهای مختلف خلق ممکن و مبارزه صنفی را جناح سیاسی در جنبش انقلابی سلحشانه سازمان میدهد.
 رفیق بیژن جزینی، جنریک فدایی خلق در ترحیلی موقعبیت این جناح سیاسی را توضیح میدهد:

« هرگاه این جریانها یا جنبش سلحشانه رابطه اصولی داشته و نقش محوری مبارزه سلحشانه را بخوبی درک کنند و مبارزات خود را با مشی مشخص انقلابی سلحشانه منطبق سازند، جناح سیاسی جنبش انقلابی سلحشانه بشمار میروند. عده تریین وظایفی که در برابر این جناح سیاسی قرار دارد عبارتست از:

الف - سازماندهی جنبشهای اعتراضی مردم که جنبه انحصاری صنفی دارد.

ب - هدایت این جنبشها در جهت سیاسی.

ج - شناساندن جنبش انقلابی سلحشانه مردم.

د - افشاکاری از رژیم و آگاه ساختن مردم.

ه - تبلیغات در سطح جهان بسود جنبش انقلابی و بر ضد رژیم.

برای تحقق این وظایف با اشکال مختلف از سازماندهی عناصر پیشرو و آگاه لازم داریم. عده تریین شکل در این میان تشکیل دهنده ها و گروه های سیاسی - صنفی است. (****)
 بنابراین جناح سیاسی جنبش انقلابی سلحشانه در زمینه اهداف و وظایف سازماندهی مشخص خود نیز با گروهها سازمانها یا ایوتونیمیستی که پی پیوند با جنبش انقلابی سلحشانه و الهام از رهنمودها و ویژگیهای رهنمودی پیشاهنگان انقلابی و مسلح خلق و طبقه کارگر معتقد نمیشوند مرتزدهای دقیق مینماید. با درک موقعبیت خود و وظایف حساس خویش در جهت بسیج توده ها مبارزه و دست یابی به اشکال انقلابی، بطور مشمول برخورد کرد و فعالیتها خود را تنظیم میکنند.

وظیفه دانشجویان در این مرحله از جنبش خلق

جنبش دانشجویی، که جنبش سیاسی - صنفی است و بر اساس محتوای سیاسی مرحله جنبش انقلابی سلحشانه خود را تنظیم میکند دانشجویان در این مرحله بسیج توده ها، نقش حساستری می یابند و می باید مبارزات خود را پیش از پیش مبارزات کارگران و زحمتکشان نزدیک کنند و با روشنگری بین زحمتکشان بر ضد مبارزات آنان کمک نمایند. هنگامیکه اعتمادات کارگری بر پا می شود، دانشجویان بفتح کارگران در مبارزه دخالت می کنند، از خواستهای آنان دفاع می کنند و با انجام تظاهرات بسود زحمتکشان رژیم را افشای کنند دانشجویان شرقی، با تماس وسیعتر و زنده کسی

با کارگران و زحمتکشان، فعالی می شوند در خدمت انتقال افکار انقلابی سازمانهای پیشرو بین کارگران. برای درک این کیفیت جدید مبارزه بجاست که برهنمود سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در این مرحله بسیج توده ها بدانشجویان توجه نمائیم. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن پیام خود بدانشجویان در شروع سال تحصیلی جدید چنین وظایفی را در برابر آنان قرار می دهند:

رفقای دانشجویان!

در مرحله جدید عده تریین هدف مبارزات، شناساندن اهداف جنبش سلحشانه خلق، تماس با توده و انجام عملیاتی است که جنبشهای توده ای را برانگیخته و توده را بسیج کند، تا بسا هدایت این جنبشها و حمایت و پشتیبانی سلحشانه از آنهاست و همچنین با بکار گرفتن تمام نیروهای مبارز خلق در این جهت به پیروی مرحله ای خود تحقق بخشیم، بنا بر این مبارزات شما نیز هنگام با آن، قدم در آستانه مرحله جدیدی از مراحل تکاملی خود میگذارید.

باکشانند اعتمادات و تظاهرات خود به محلات تجمع خلق بخصوص جلو کارخانه ها، با توضیح اهداف جنبش به خلق و افشای ماهیت رژیم شاه، به وظیفه انقلابی خود عمل کنید. دانش آموزان، نیروهای جوانتر و پشتوانه آینده جنبش است، آگاه کردن و به حرکت درآوردن این نیروهای مستعد، بینشتر بعد و شما دانشجویان مبارز است. وظیفه شماست که دانش مبارزات خود را به دبیرستانها گشایید و با آگاهی دادن به محصلین، آنها را همراه خود سازید. (اعلامی خطاب به دانشجویان ایران آذرماه ۱۳۵۵)

محتوای سیاسی وظایف دانشجویان در خارج و در داخل همان محتوای وظایف دانشجویان مبارز داخل کشور می باشد. منتها در خارج جنبش دانشجویی دارای محدودیتها و امکانات خاص خود می باشد. در خارج امکان تماس مستقیم با کارگران و زحمتکشان ایران موجود نیست ولی در عوض امکان تماس وسیع با افکار عمومی جهانی، امکانات انتشاراتی و تبلیغاتی برای تبلیغ و ترویج نظرات و اهداف جنبش انقلابی سلحشانه، جلب افکار عمومی برای افشای رژیم و حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان تهیه امکانات مادی برای کمک به پیشاهنگان مسلح خلق، وجود دارد. دانشجویان باید با توده با امکانات خود و شرایط خارج از کشور، وسیعترین پشتیبانی را برای تمام مبارزات خلق بیچیز از جنبش سلحشانه انقلابی جلب نمایند.

باید برای تبلیغ و ترویج افکار انقلابی در بین روشنفکران خارج کشور شود که دانشجویان مبارزات خود را بمنزله بخشی از کسل مبارزات خلق در رشد سیاسی و مبارزاتی جامعه علیه رژیم و امپریالیسم و بهروزی وابسته ترکز دهند.

رفیق بیژن جزینی وظایف زیر را بطور مشخص برای دانشجویان ایرانی در خارج از کشور جهت خدمت خلق و جنبش انقلابی سلحشانه طرح میکند:

« الف - شناساندن جنبش انقلابی و روشی آن به ایرانیان خارج از کشور و محافل جهانی، و این وظیفه با تکیه بر منابع داخلی و فعالیتهای آنها و انتشارات جنبش انقلابی سلحشانه تحقق مییابد.

ب - ایجاد یک جبهه نیرومند تبلیغاتی بر ضد رژیم در محافل و پیت از مبارزات داخلی.

ج - تکمیل بیانیتهای، نشریات و متن انقلابی داخلی که بدست آنها میرسد و بازگرداندن این آثار به مقاس وسیع بدخل کشور»

(**)**

سازمان چریکهای فدایی خلق ضمن پیام خود بکفدراسیون جهانی (ککره هجدهم) چنین رهنمودها و وظایف را در برابر کفدراسیون قرار میدهد.

کفدراسیون جهانی بعنوان بخشی از جنبش دانشجویی و در خدمت جنبش ضد امپریالیستی با الهام از مبارزات درون کشور همواره پشتیبان این مبارزات بوده است. در شرایط امروز ما که مبارزه بعالمترین شکل خود توسط سازمانهای مسلح پیشرو در جریان است و تبلیغ سلحشانه نقش محوری تمام اشکال مبارزاتی خلق ما را ایفا میکند:

دفاع از مبارزات کارگران و دهقانان و سایر اقشار خلقی و نیز دفاع از طعانه سیاسی از سازمانهای مسلح پهنماز باید محور اصلی فعالیتها کفدراسیون بشمار آید و کفدراسیون بایستد از کلیه امکانات مادی و معنوی خود برای این هدف استفاده نگاهداری در جهت ارتقا سطح و آگاهی و شناخت دانشجویان مبارز خارج از کشور را به مسئولیت و وظایف مبارزاتی خویش بدنهال

خواهد داشت و وظیفه است که کفدراسیون باید با بهره گیری از کلیه امکانات تبلیغی و ترویجی خود بان عمل نماید.
 با توجه به مبارزات سرسختانه خلق عمان و خلق فلسطین که دلیرانه برای حفاظت از دستاوردهای مبارزاتی خویش پادامه مبارزه تلاش میکنند، کفدراسیون جهانی باید بعنوان یکی از برنامه های ضروری خویش در جهت افشای نقشه های توطئه گرانه امپریالیسم، امپرونیسم و ارتجاع فعالیت نماید.

باز شد مراحل مبارزاتی وظایف تمام بخشهای خلق و از آن جمله وظایف جنبش دانشجویی خطیرتر و دقیقتر میگردد. امروز بهتر از هر زمان دیگری جنبش دانشجویی نیازمند الهام و پیروی از جنبش انقلابی پیشاهنگ مسلح خلق میباشد، این نیاز به پیروی برای جنبش دانشجویی خارج از کشور احساس میشود، زیرا روی از جامعه، درگیر نبودن با سائل حساس آن از نزدیک، خسود محیطی برای رشد گرایشهای انحرافی نسبت به مبارزات خلق بوجود میآورد. برای ضمانت درستی و رمزنگاری مبارزات خاص جنبش دانشجویی خارج به پیوند این جنبش با جنبش انقلابی سلحشانه و الهام از سازمانهای پیشاهنگ خلق تکیه نماید. زیرا الهام از پیشاهنگان مسلح خلق و انجام مادیانه تمامی وظایفیکه این پیشاهنگان راستین خلق از جنبش دانشجویی طلب میکند، میتواند این جنبش را از نغز انواع گرایشهای ایوتونیمیستی که در داخل ایران و در صف خلق اساسا امکان ریشه گرفتن ندارند، مبری سازد. الهام و حرکت از مواضع سازمانهای انقلابی درون کشور، جنبش دانشجویی را از هرگونه انحراف و هدر دادن نیروی انقلابی جوانان و معلم دست گروهها و سازمانهای ایوتونیمیستی قرار گرفتن در امان نگه میدارد.

این حق سازمانهای درون کشور است که برگ جنبش و نیز بر جنبش جوانان، دانشجویان و محصلین رهبری کنند. زیرا در جامعه ما این سازمانها تنها آن تشکیلاتهای انقلابی هستند که با خون خود در صف واداری خود را به خلق، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ثابت کرده اند.
 تنها این سازمانها یا پیشاهنگ خلق اند که شایستگی رهبری کل جنبش را دارند زیرا درایت سیاسی و آگاهی انقلابی خود را در عمل ثابت کرده اند.
 این سازمانهای پیشاهنگ دستاورد گرانمایه جنبش انقلابی سلحشانه خلق ما هستند که با رستاخیز سیاهک در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ آغاز گردید.

پروژه یاد جنبش انقلابی سلحشانه و دوسازمان پیشاهنگ مسلح و انقلابی خلق سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران، با خاطره تمام شهیدای جنبش انقلابی سلحشانه که ایمان انقلابی و راستین خود پرچم خونین انقلاب برهاری بخش خلقهای ایران تحت رهبری طبقه کارگر را برافراشتند! پرچم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پرچم انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است!

مستحکم بگردید، با پیوند جنبش دانشجویی با سازمانهای پیشاهنگ انقلابی مسلح خلق!

سرتنگان باد رژیم موارکو - فاشیستی شاه نوکر امپریالیسم جهانی

سرتنگان باد امپریالیسم جهانی بسرتنگان امپریالیسم آمریکا

(*) - تحلیل یک سال مبارزه جنگ چریکی در شهر و کوه (سازمان چریکهای فدایی خلق ایران)

(**) - تحلیلی از شرایط جامعه ایران، مبارزه سلحشانه هم استراتژی هم تاکتیک.

(*) - اشراف فدایی، مسعود احمد زاده

(***) - تحلیلی از تکوین و تکامل گروه پیشنهاد (جزئیات) - نظریاتی (اشراف فدایی، بیژن جزینی)

(*) - (بهمن تشریح شماره ۱)

(***) - چگونه مبارزه سلحشانه توده ای میشود (اشراف فدایی، بیژن جزینی)

(*) - (بهمن تشریح شماره ۲) - بقیه اطلاعات از صفحه ۶

و نقشه های پلیس را برای جنبش دانشجویی توضیح نموده است. ما این اعلامیه را بضمیمه این اعلامیه برای تحلیل و بررسی آن از طرف نیروهای مبارز انتشار داده و در نوبت دیگری راجع بطلاب مندرج در آن بطور مشروح بحث خواهیم کرد.
 (این شبکه پلیسی، در تهران و شهرستانهای مختلف رشت نیز به اعزاز و شیزا و... فعالیت داشته است.
 سازمان مجاهدین خلق ایران

ما نقش با ارزش رفیق حمید اشرف را در جنبش نویسن انقلابی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از دریچه نغمه نظر دیاکلیک ماتریالیستی - نسبت به نقش شخصیت ها در تاریخ - مورد بررسی قرار می دهیم . برای اساس عواملی که موجب بوجود آمدن رفیق حمید اشرف و صد ها انقلابی نظیر او شده و یا عبارت دیگر علی که زمینه ساز تولد و رشد جنبش قهرمانانی است که در وجود ذاتی اینان نهفته است ، بلکه نتیجه ضروری رشد دیاکلیکی این مبارزان در بطن یک حرمیان رشد یافته است که متناسب با نیازهای جامعه بوجود آمده و به پیش می رود . بنا بر این این حمید اشرفها نیستند که جریان مبارزاتی را بوجود آورده و رشد می دهند بلکه این سازمان و حرمیان انقلابی است که با حرکت صحیح در مسیر تاریخ این قهرمانان را بوجود می آورد . آری ، این قهرمانان نیستند که تاریخ را می سازند بلکه تاریخ است که قهرمان می سازد ، اما این شخصیتها تا هنگامیکه با جریان و مسیر پیونده تاریخ حرکت کنند و اقداماتشان در جهت تکامل تاریخ و موافق با ضروریات رشد اقتصادی جامعه و احتیاجات طبقه پیشرو ، انجام پذیرد ، تا می توانند اشخاص برجسته ای شوند ، و برعکس این شخصیتها با همه قدرت و تواناییشان در صورتی که در مسیری حلال حرمیان تاریخ و ضروریات تاریخ اقدام کنند اعمالشان باطل مانده و خود " بوضع اشخاص مضحک ناگام و بی تری دچار می گردند " (مزارات داخل پارکهای آخری نقل قولهای است از " تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) روسه) صدق این اصل اساسی در کشور ما قائل بوری است : از آنجائیکه تولد ، رشد و نگه داشتن مبارزه مسلحانه در جامعه ما یک ضرورت تاریخی است ، لذا کوششهای مبارزان و قهرمانانی چون حمید اشرف که در مسیر این حرمیان درست حرکت کردند در لحظات تاریخی و حماسار توانستند نقش حیاتی در تحکیم ارگانهای خلق علیه عوامل ضد خلق بازی کنند . در غیر این صورت چگونه ممکن بود کوششهای رفیق حمید اشرف و تنی چند از همزمانان - که پس از ضربات سال ، باقی مانده بودند - قادر باشند گروه را از لحاظ کمی و کیفی به سطح والاتر از نظر قدرت سازمانی برسانند . آری رفیق حمید اشرف از زمره آن قهرمانانی است که بشرائظرفه جامعه مدرستی می برده و کوچککی تعمیر و اصلاح این شرایط را درک کرده بود و با حرکت در مسیر پرتوان رودخانه بیوان انقلاب مسلحانه ایران توانست در حیات جامعه ما - بخصوص در این دوره تاریخی و مهم - نقش برجسته ای ایفا کند .

رفیق حمید اشرف به نقش تاریخساز طبقه کارگر ایران - در رهبری و پیروزی انقلاب رهاشی بخش خلقهای ایران اقتصاد راسخ داشت و در رابطه با این اعتقاد همراه با سازمان برای پیوند هرچه بیشتر جنبش انقلابی ایران و سازمان چریکهای فدائی ایران با طبقه کارگر و تسریع در کشاندن آن مبارزه مسلحانه کوشش حمتکن ناپذیری را شروع کرده بود .

سر انجام در درگیریهای تابستان گذشته رفیق کبیر حمید اشرف رهبر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همراه سایر رفقای همسنگرش ، چند ساعت با قاطعیت کمونیستی بانیرو های دشمن جنگید و شهادت انقلابی نائل آمد .

شهادت رفیق حمید اشرف علیرغم اینکه غایب بزرگی برای جنبش مسلحانه و خلق ما است ، در عین حال بیان این واقعیت نوین است که رزمندگان جریک ، در هر سطحی از مسئولیت سازمانی بویژه در رهبری سازمان پیوسته در سنگر مبارزه و در بین خلق باقی مانده و قاطعانه علیه رژیم خائنتکار شاه می جنگند و سنگر مبارزه را ترک نمی کنند . در کشور ما این امر واجد ارزش بزرگی است زیرا بیان ترتیب خاطره بدی را که اپورتونیستهای " بقایای رهبری حزب توده " در آن هان توده و طبقه کارگر بجا گذاشته اند و آنها را نسبت به همرهان سازمانهای پیشرو توده و طبقه بد بین کرده است می زنداید .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اعلامیه آن ماه در رابطه با شهادت رفیق حمید اشرفی و دیگر شهیدای سازمان چنین می نویسد :

" امسال که سال شهادت های بزرگ برای سازمان ما می باشند " شهیدای زیادی داشته ایم ، شهیدائی همچون " رفیق کبیر " سازمان حمید اشرف " ، اینان از پاک بازنترین و صادترین " فرزندان خلق بوده اند . اینان در دامان پر مهر خلق پرورش یافته و در راه رهاشی خلق از زیر ستم سرمایه داران داخلی و " خارجی و شاه خائن ، جان خود را بسایه فدا کرده اند ."

" شهیدان سایر رفقا که قسمت عظیمی از بار سنگین جنبش پیروزنده " مسلحانه خلق بر دوششان بود ضایعه بزرگی برای جنبش محسوب می شود . با این حال شهادت این رفقا برخلاف ادعای رژیم " نه تنها خللی در ایمان بادامه رهاش بوجود نیآورد بلکه ما را " در موضع خود که همانا مبارزه با دشمنان نادران مسلح خلق " است هوشیارتر و مستحکمتر ساخته است ."

در پایان اعلامیه می افزاید :

" ما ایمان داریم که خلق مبارز ما در آغوش گرم و پر مهر خود صد ها " حمید اشرف " پرورش می دهد و خواهد داد تا سلسل خونین " و داغ رفیق و سایر رفقا و رزمندگان شهید را به دست گیرند و " همچنان در نبردی خونین با دشمن خلق برای آگاهی خلق " و پیوستن آن مبارزه مسلحانه تا نابودی دشمن بختکنند . ساز " ما را چریکهای فدائی خلق ایران با گذر از مرحله اول مبارزه " بقا " و گسترش و حرکت پیشرونده خود را در سینه تاریخ مبارزه " مسلحانه خلق ایران ثبت کرد . ما با ایمانی راسخ تر از پیش " تا آخرین نفس در راه رهاشی خلق از جنگال رژیم دیکتاتوری " شاه و امپریالیستهای غارتگر سر مرکزگی امپریالیسم آمریکا " مبارزه خود ادامه می دهیم ."

رفیق حمید اشرفی عمل یک چریک فدائی یک مارکسیست لنینیست معتقد و یک کمونیست واقعی با اعتقاد راسخ به اشتراسیو نالیسم پرولتاری بود .

یکونیم از او با میوزیم ، از خونسردی ، از شکیبائی انقلابی ، جسارت ، سرعت عمل در یراتیک و بالاخره و والا تر از همه از قاطعیت انقلابی او .

جنبش انقلابی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می تواند بخود جلالت که توانسته است در پیروسه تکاملی و پیونده خود جنس فرزندان انقلابی پرورش دهد .

افتخار بر رفیق حمید اشرف چریک فدائی خلق .

زند و یاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با زوری مسلح و نمایندگی کارگران و رنجکشان ایران .

پسرجم جم جریکهای فدائی خلق ایران ، پرجم وحدت مارکسیست لنینیستهای انقلابی جنبش مسلحانه ایران .

سرتکن باد رژیم فاشیستی شاه نوکر امپریالیسم جهانی - سر کردگی امپریالیسم آمریکا .

بقیه از صفحه ۱۰

بشکل گسترده ای نیروهای مزدور را بکار گرفت . بطوری که چندین حلقه محاصره در اطراف پایگاههای کشف شده بوجود آورد . این بسیج نیرو ، نشانه ناتوانی و وحشت رژیم از جنبش مسلحانه و نفوذ آن در بین توده ها و رزمندگی پیشگامان راستین خلق است . در مقابل رفقای ما با ایمان به راه رهاشی خلقی و با فداکاری و از جان گذشگی توانستند با مهمات محدود و نفرت کم به مقابله با نیروهای دشمن برخیزند . در این پیگره های نابرابر ، تعدادی از رفقا با نیرو خانه به خانه و خیابانی و از پای در آوردن عده ای از مزدوران دشمن ، خود را از حلقه محاصره خارج کردند و تعدادی نیز پس از جنگی دلآورانه ، در صحنه " نبرده شهادت انقلابی رسیدند .

انقلابی کبیر ، چریک فدائی خلق ، رفیق (حمید اشرف) رهبر سازمان ما نیز همراه رفقای مبارز همسنگرش چند ساعت ، با قاطعیت کمونیستی ، بانیروهای دشمن جنگید و به شهادت انقلابی نائل آمد .

ما خاطره این رفقای شهید را گرامی می داریم و با عزیزی راسخ و اراده ای آهنین ، تا پیروزی نهائی خلق ، به راهمان ادامه خواهیم داد . خون سوخ رفقای شهید ، گواه پیمان ما با خلق است .

دانشجویان مبارز!

جنبش مسلحانه خلق ایران ، هدف اولین مرحله استراتژیک خود را طرح و تثبیت مبارزه مسلحانه در سطح نیروهای بالفعل جامعه قرار داد . سازمان ما در تحقق بخشیدن باین هدف ، عده ترین نیروهای خود را در جهت ارتقا سطح آگاهی و به حرکت در آوردن روشنفکران و قشرهای آگاه خلق بکار گرفت و با فداکاری و ندادم بر کار ، توانست اولین مرحله مبارزه را پشت سر گذارده و در آستانه ورود بر مرحله دوم ، یعنی توده ای شدن مبارزه قرار گیرد ، مرحله ای که برای جنبش مبارز او تر از گذشته خواهد بود .

در این مدت که رفقای دانشجویان همواره از دانشگاه به عنوان سنگری برای حمایت از خواستههای بحق توده تحت ستم و حمایت از جنبش مسلحانه و پیشگامان آن استفاده کرده اند ، همسنگر

خود را به جنبش انقلابی نشان داده و در این راه ، دلبرانته نه از اسارت و شکنجه بیعی بدل راه داده اند و نه در مقابل سلاح مزدوران شاه سرتسلیم فرود آورده اند .

ما این حمایت دانشجویان مبارز را با نواظراتی در پاسنخ بدعوت سازمان ما جنبی بر حمایت از کارگران اعتصابی کارخانجات چیت تهران (با فاکر) چیت ری ، چیت ممتاز ، بسی ، اف ، گودریج و سیمان ری دیده ایم ، برپائی تظاهرات اعتراضی علیه رژیم شاه در حمایت از چهارده چریک فدائی خلق که در درگیری پهای نابرابر خود با مزدوران رژیم شهید شدند نیز جلوه دیگری از این حمایت دانشجویان است .

رفقای دانشجو!

در مرحله جدید عده ترین هدف مبارزات ما ، شناساندن اهداف جنبش مسلحانه به خلق ، تماس یافتن و انجام عملیاتی است که جنبشهای توده ای را برانگیخته و تسوده را بسیج کند ، تا با هدایت این جنبشها و حمایت و پشتیبانی مسلحانه از آنها ، همچنین با بکار گرفتن تمام نیروهای مبارز خلق در این جهت ، به هدف مرحله ای خود تحقق بخشیم ، بنابراین مبارزات شما نیز همگام با آن ، قدم در آستانه مرحله جدیدی از مراحل تکاملی خود می گذارید .

با کشاندن اعتصابات و تظاهرات خود به محلات تجمع خلق بخصوص جلوی کارخانه ها ، با توضیح اهداف جنبش به خلق و افشای ماهیت رژیم شاه ، به وظیفه انقلابی خود عمل کنید . ((شما دانشجویان مبارز! اعتصابات و تظاهرات خود را در همه دانشگاهها یکپارچه و هماهنگ کنید)) با در آمیختن رود های خروشان اعتراضات ، سبلی عظیم بیا کنید ، مبارزاتشان هرچه هماهنگ تر شود ، پرتوان تر خواهد بود .

دانش آموزان ، نیروهای جوانتر و پیشروانه آینده می جنبش اند ، آگاه کردن و بحرکت در آوردن این نیروهای مستعد ، بیشتر به عهده شما دانشجویان مبارز است . وظیفه شماست که دانشه مبارزات خود را به دبیرستانها کشانده و با آگاهی دادن به محصلین ، آنها را همراه خود سازید .

شما با اقتا کردن نوظه های رژیم برای سرکشی جنبشهای دانشجویی ، مانع از با اجرا در آمدن طرحهای کثیف شاه دیکتاتور با شدید و ما با استفاده از امکانات خود ، در روشن کردن این نوظه ها شمارا یاری خواهیم داد .

ما در گذشته با تجزیه و تحلیل نوظه های رژیم و ارائه رهنمود های جنبی بر برپائی هرچه پرشکوهر تظاهرات دانشجویی در ارگان دانشجویی ، خود کوشیدیم تا ماهیت این نوظه ها را برملا سازیم و در آینده نیز باین وظیفه عمل خواهیم کرد . شما با تلاش و پیگیری خود این وظایف را دنبال خواهید کرد و در این راه سلاحهای ما حاسی بی دریغ مبارزات شما خواهد بود .

بالاراه ای آهنین و ایمانی تزلزل ناپذیر ، با عشق عظیم بخلق ، با کینه ای بی پایان بد دشمنان خلق و پیوندی مستحکم با مبارزات دانشجویی ، پشتیبانی خود را از مبارزات پرشکوهر دانشجویی اعلام می داریم .

" پایدار باد پیوند ناگسستی جنبش مسلحانه با جنبش دانشجویی " مستحکم تر باد پیوند دانشجویان انقلابی با کارگران " سرگ بر شاه دیکتاتور وانند ارم امپریالیسم " درود به شهیدای راه رهاشی خلقی " "

با ایمان به پیروزی راهمان

" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران " آذرماه ۱۳۵۵ خورشیدی

بقیه اعلامیه از صفحه ۱۰ جمع آوری نموده و در اختیار ساواک می گذارد تا با تشکیل پرونده برای آنان و تحت نظر گرفتن فعالیت آنان خیراتی بعنوان نیرو - وهای انقلابی و مبارز خلق ساوارد آورد . از این جهت لازم می دانیم بهمه کماتیک پنحوی از آنها " با این جریان در تماس بوده - اند هشدار دهیم تا اقدامات لایوه را در حفظ خود و حراسات از جنبش انقلابی بعمل آورند .

همچنین اکنون با توجه باینکه پهلوس ناخا " مختلف برای نابودی وانهدام عناصر مبارز دسهای گسترده و پیچیده ای می چینهند تذکر این نگه را لازم می دانیم که بکلیه عناصر مبارز هشدار دهیم مراقب باشند بجای عضویت در گروهها و سازمانهای انقلابی و شرف بدام شبکه پالیسی گرفتار نیایند .

(۴) این جریان پالیسی اخیرا " اعلامیه ای تحت عنوان " پیروزان جنبش دانشجویی ایران " منتشر نموده و طی مطالبی نغمه نظرات

هرمونی پیشاهنگ طقه کارگر بر کل جنبش بسیار موثر خواهد بود رژیم فاشیستی شاه که تمام نیرو برای اتمام این سازمانهای پیشاهنگ میگذرد، در عمل از تحمیل خواستهای ضد خلقی خود عاجز مانده است. وقتی ناچار است که در حواب افکار عمومی خلق و برخلاف نام این سازمانهای پیشاهنگ را ببرد. رژیم پادشاهی و تزویر خود میبندد که خلق با هوشتیاری خود و در عمل، انقلابیون راستین را شناخته و نیروهای رژیم بسا دادن عنوان "خرابکار" و "تروریست" باین پیشاهنگان خلق جز رسوایی بیشتر او برایش حاصلی ندارد.

علیرغم ضربه های کمزیر برای پیشاهنگهای انقلابی خلق وارد ساخته است لکن خصلت رشد یابندگی این سازمانها که تعیین کننده بقای آنان میباشد، سریعاً تمام ضربه ها را ترمیم میکند. رشد یابندگی سازمان که خود نتیجه حقیقت ضد سیاسی سازمانی و نیروهای زیادی از عناصر صادق، با ایمان و بصاحت مبارزه ایمن سازمانها، بدانها روی بیاورند و در تقویت آنها بکوشند. بنابر اظهار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، کوشش هیاداران جنبش انقلابی مسلحانه برای پیوستن باین سازمان تا حد بیست، که میباید گردیده است برای سازماندهی و تجدید تربیت ایمن عناصر و ارتقای نظامی سازمان کاسته شود.

این چشم انداز درخشان حاکی از آنست که این سازمانهای انقلابی از جبهه پشتیبان در بین عناصر پیشرو خلق برخوردارند، که ریشه سازمان بین آنان بسته میگردد.

باین پایه توده های باید هنوز شیوه پیشرفته تفکلاتی یسنگ سازمان سیاسی - نظامی پیشاهنگ را که خود استحکام خاصی در مقابل با قدرت سرکوب رژیم دارد، اضافه نمود. هم سازمانی پیشاهنگ انقلابی و منطبق با اوضاع فاشیستی جامعه از چنان کیفیتی برخوردار است که رژیم به هیچوجه قادر نیست و ضمن ضربات ناگهانی خود بر قلب سازمان و از آنجا بر تمام سازمان ضربه انهدامی وارد سازد. در پاره نمونه سازمانی و استحکام و تثبیت آن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ضمن پیام خود بکنگره هجدهم کنفدراسیون جهانی می نویسد: " رژیم تنها بار ها به ناتوانی خود در نابود کردن جنبش مسلحانه اعتراف نموده، بلکه به عجز خویش در جلوگیری از رشد و بالندگی آن اذعان دارد. نمونه تبلیغات زهر آکین رژیم بسو علیه انقلابیون نشان دهنده این موضوع است. اگر رژیم در پیروز بسا وارد آوردن ضرباتی به سازمانهای مسلح ادعای پیچ نابودی سازمانها را می کرد، امروز حتی جواب این گفته را نیز ندارد. چرا که پاسخ قاطع چریکها با شلیک گلوله هایشان بسینه مزدوران و انفجار بناهای جبر و ستم بارها رژیم را رسوا نموده و در روشهای پیشرفته اش را افشا ساخته است. باری برنامه های تبلیغاتی رژیم که ارتباط با مرحله جنبش داشته و متناسب با آن تغییر می کند. امروز محور اصلی اش بعلت ناتوانی، نه نابودی کردن سازمانها، چریکی، بلکه بر ادعای از بین بردن ستاد فرماندهی ویا رهبری این سازمانها قرار دارد." (از پیام س - ج - ف - خ - ا - بکنگره ۱۸ کنفدراسیون) و در رابطه با استحکام سازمانی در همانجا می نویسد:

" مبارزه مسلحانه در شرایط طبیعی خود یعنی در زیر فشار بی سابقه دیکتاتوری رژیم همچنان بحیات خود ادامه می دهد و همچون ارگانیزم که با محیط نیست خود انطباق حاصل می کند، بتدریج اشکال مؤثرتری را برای زندگی و انقلابی خویش می یابد. امروز سازمانهای مسلح در پیرامون انقلابی خود دارند به چنان سازماندهی دست می یابند که نقشه های رژیم را در مورد خود نقش بر آب سازند. این شیوه سازماندهی بعنوان مثال در سازمان ما تقسیم سازمان به بخشهای مستقل با دسته های تبلیغ مسلحانه که در برگیرنده شاخه های مختلف با امکانات و وظایف خاص خویش می باشند و بنظرم خود انکافی خود - کلاهی بخشهاست. هر بخش در عرض برخورداری از همه امکانات سازمانی ای که با آن حیات مستقل می بخشد با بخشهای دیگر در ارتباط بوده، همراه با آنها خط استراتژیک واحدی را

در حال می نماید و بنا امکان می دهد که تا حد زیادی از انتقال سریع ضربه از بخشی به بخشی دیگر جلوگیری نماید و یا در صورت قطع ارتباط بخشی با سازمان، بخش مزبور بتواند مستقلاً تا ایجاد ارتباط مجدد بحیات خود ادامه دهد". ایمن واقعیتها، کیفیتهای سازماندهی، روحیه عالی مبارزین پیشانگه شی انقلابی و صحیح کمونیستی گویای آنست که سازمانهای انقلابی مسلح و سازمانهای پیشاهنگ راستین خلق و طبقه کارگر بوده که با اتکا به تئوری انقلابی، در کوره آزمایش قاطع ترین مبارزه طبقاتی قادر گردیده اند چنان استحکامی در مقابل دشمن و اعتباری در میان خلق بیابند که شایسته و لازم هر سازمان پیشاهنگ انقلابی می باشد. وسوسه و پناه ورشد بیگانه جوانان سازمانهای پیشاهنگ انقلابی، که بر ایدئولوژی طبقه کارگر اتکا دارند، خود دال بر تثبیت سازمانی آنها می باشد. مبارزه قاطع و انقلابی این پیشاهنگان خلق و طبقه کارگر در برابر رژیم فاشیستی و حضور آنان در مبارزه طبقه کارگر و حمایت از مبارزات دیگر اقشار خلق علیه ارتجاع و امپریالیسم و پشتیبانی سیاسی نظامی از خواستهای خلق، موجب ایجاد هر ساعد پشتیبانی از سازمانها و در اقرار آگاه و انقلابی بصورت حمایت معنوی و مادی، قبول رهنمودها و آمادگی پیوستن بسازمانهای انقلابی گردیده است. حمایت سیاسی توده های کارگری و زحمتکشان شهری نشان دهنده پذیرش پیشاهنگی سازمانهای انقلابی از جانب خلق می باشد. رادیکالیزه شدن سازمانهای انقلابی و رشد اندیشه مارکسیسم - لنینیسم انقلابی در بین عناصر صادق و انقلابی و تأثیر جنبشهای آزادی بخش سه قاره بیروزه در منطقه تحت رهبری طبقه کارگر و برآمدن در ما - هیت فترتول و سازشکار و دوگانه پرورانی ملی در این کشورها نیز بنوع خود برای هرمونی سازمانهای انقلابی پرولتری و سراسری را مساعد تر می گرداند. محصور این عوامل شده و شده، در کیفیت سازمانهای مسلح انقلابی، آنان را به پیشاهنگان واقعی طبقه کارگر تبدیل کرده و زمینه را برای تأمین هرمونی جنبش توسط این سازمانها مساعد نموده است.

دوم - آیا مبارزه مسلحانه بنوعی ها شناسانده شده و جو سیاسی در جامعه ایجاد شده است، امریکه مقدمه بسنج شود، ما مبارزه می باشد؟

واقعیات شاهد آنست که جنبش انقلابی مسلحانه از نفوذ و احترام بی سابقه ای در بین توده های خلق برخوردار است. در آغاز مبارزه مسلحانه توده ها با اینکه از رژیم تغر داشتند لکن بعلت تبلیغات زهر آکین رژیم هنوز قادر نبودند محتوای سیاسی جنبش انقلابی را که مدافع حقوق پامال شده خود آنان بود درک کنند. لکن جنبش انقلابی مسلحانه در ادامه کار خود، متکسی به تشر آگاه جامعه، توانست بزودی هدفهای خود را بدهد و نشان دهد. توده در مدت همین سالهای کم که از شروع مبارزه مسلحانه می گذرد تا حدی باید و های عالی سیاسی پیشاهنگان انقلابی خود واقع گردیده است. خلق می بیند که این مبارزات انقلابی وقته باید بر انقلابیون و این ایمان سترگان خلق و رهائی آنکه توام با ندادنهای زیاد می باشد، امر ساده ای نیست که از روی احساس بی منتقده ای ملهم شده باشد. خلق از یک طرف این همه فدکاریها را می بیند، و از طرف دیگر سحر حادت تضاد خود را با رژیم که روز بروز پیغمتری کرد درک می کند و نیز درجه خیانته و زورگویی رژیم را که در هر زمینه ای علیه او توسعه می یابد عمیقتر لمس می کند. تمام این واقعیات عینی شده و شعور اجتماعی می دهد و آنرا بیش از پیش بمبارزه جلب می کند. هنگامی این درک از شرایط عینی و فعالیتهای پیشاهنگ با نفوذ افکار انقلابی خود در توده نوام کرد و سبب پیوندهایی از پیش توده بسازمانهای پیشاهنگ خود می گردد. تفکر سازمانهای پیشاهنگ او و طریق در توده نفوذ می کند. الف - از طریق اکتیوهای نظامی که سازمانهای پیشاهنگ انقلابی علیه دشمنان خلق انجام می دهند. هدف این اکتیوها یکی نشان دادن ضربه پذیری دشمن و دیگری انتقام گرفتن از عناصر بدکار می باشد. نتایج مستقیم این عملیات

از یک سو توده را بمبارزه جلب می کند و از سوی دیگر دشمنان خلق را فترتول می کند. ب - نفوذ افکار سازمانهای پیشاهنگ مسلح خلق، از طریق تبلیغ و ترویج مستقیم نظرانشان با یکسره اعلامیه ها در محیط کارگری، توزیع نشریات و آثار جنسشن بیروزه بخشی که برای کارگران و زحمتکشان تهیه شده است، تماس حضوری سازمان بین آنگه مانند، از طریق ارسال کادرها نسی از سازمان و عناصر کارگری جلب شده با همان توده و خلق، انعام می گردد. میزده نقش پر اهمیت این تبلیغ و ترویج مستقیم سیاسی وشی با اکتیوهای نظامی در پشتیبانی خلق انعام می گردد، در آن مؤثر واقع می گردد. زیرا خلق خود را سازمانهای راستین و قابل اتکا، انقلابی مواجه می بیند.

تأثیرات این فعالیتهای سازمانهای پیشاهنگ در توده، مبارزات خود حدودی آنان را رشد می دهد و سطح سیاسی و درجه سازماندهی آنها ارتقا می دهد. در نتیجه این فعالیتهای سیاسی پیشاهنگان خلق، مبارزات آنان از حمایت معنوی توده برخوردار گردیده و گاه با حمایت مادی آنها نیز توأم است.

حمایت مادی توسط سازمانهای پیشاهنگ از حلقه مواضعی دیده می شود که بهنگام درگیری انقلابیون با دشمنان خلق، توده برای در شدن رفقا از صحنه درگیری با آنان پناه می دهند. مانع تعقیب مأمورین فرومایه رژیم علیه انقلابیون مسلح خلق می گردد. در نتیجه نفوذ سازمانهای پیشاهنگ خلق در توده و بنیان توده های سخیار زیادی آورد اما ما مابین یک نمونه زیر آنگه می کشیم که سازمان چریکهای فدائی خلق توصیف می دهد که خود گویای مرحله جدید مبارزه، مرحله بسنج توده های باشد.

" سازمان چریکهای فدائی خلق پس از اخراج از این حواسنه کارگران ۴ که همدای حق طمانه آنان را کوش سایر هموطنان رسانده شود) بلافاصله وارد اقدام عملی شد و در تاریخ ۱۶ ماه اردیبهشت اعلامیه ای برای اخراج مردم از اعضاات کارگران و همچنین دعوت عمومی از مردم برای حمایت از اعضاات کارگران تهران منتشر ساخت. در حال انتشار این اعلامیه دانشجویان دانشگاهها بحمایت از کارگران اعتصاب کردند و حتی تظاهراتی در میدان اندام در پشتیبانی از کارگران برپا داشتند، و بایس ترتیب همدای حق طمانه کارگران را کوش مردم تهران رسانیدند (نبرد خلق، نشریه محصور کارگران و زحمتکشان ایران شماره اول)

این واقعیات گویای آنست که از یکسو سازمانهای پیشاهنگ فدائی و مهاد مبارزات خود را در خدمت طبقه کارگر و زحمتکشان و بحرکت در آوردن خلق بکار می اندازند و از سرف دیگره خلق بیش از پیش اوزین این پشتیبانی را درک می کند و پشتیبانی مادی و معنوی خود را نسبت باین سازمانها بیشتر می نماید. تمام این واقعیات بحسارت دیگر حاکی از آنست که شرایط برای بسنج توده ها برای مبارزه آماده شده است و جنبش انقلابی مسلحان درجهت بسنج توده ها عمل می کند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پایان مرحله اول استراتژیک مبارزه مسلحانه، مرحله تثبیت سازمانی و معرفی پیشاهنگ مبارزه مسلحانه و آغاز مرحله دوم استراتژیک جنبش انقلابی مسلحانه، مرحله بسنج توده ها مبارزه را بطی مواضع اعلام شده و بحلسق و نیروهای پیشرو آن نموده داد است. در اعلامیه آور ماه، ۱۳۵۵ سازمان خطاب بدانشجویان می خوانیم:

" جنبش مسلحانه خلق ایران، هدف ازین مرحله استراتژیک خود را طرح و تثبیت مبارزه مسلحانه در سطح نیروهای بالفعل جامعه قرار داد. سازمان ما در تحقق بخشید باین هدف، عده نرین نیروهای خود را درجهت ارتقا مسلح آگاهی و سه حرکت در آوردن روشنفکران و قشرهای آگاه خلق بکارگرفت و با فدکاری و تدابیر در ارتقاوست اولین مرحله مبارزه را پشت سر گذارد و در آستانه ورود بمرحله دوم، یعنی توده ای شدن مبارزه قرار گردید. مرحله ای که برای جنبش بارورتر از گذشته خواهد بود (س - ج - ب - ح - ا)

ما تا اینجا واقعیات جامعه را متکسر کردیم و نشان دادیم که سازمانهای انقلابی پیشاهنگ که از اعتبار ویژه ای بین خلق

مرگ برامپریالیستها بسرگردگی امپریالیسم آمریکا

و طبقه کارگر برخوردارند در جامعه ما وجود دارند و رژیم هرگز قدرت از بین بردن این سازمانهای پیشاهنگ و مسلح خلق و جنبش انقلابی مسلحانه را ندارد. این واقعیات نشان می دهد که سازمانهای پیشاهنگ خلق، شایستگی رهبری گش جنبش خلق را کسب کرده اند.

اکنون ببینیم که آیا اپورتونیستها باین واقعیات انکار ناپذیر چگونه برخورد می نمایند. اپورتونیستها که اصولا وجودشان در خارج از کشور است، بعلمت بریدگی از جامعه و مصالح انقلابی خلق از پذیرش حقایق خود داری می کنند. اینها نزدیک به یک ربع قرن است که با سازمان خود در خارج تبعیدی هستند، سازماندهیهایی که در آفتاب هد نشان انتقال بایران بود. لکن چون اساس بازگشت سازمانی خود را موقوف بر مساعد شدن شرایط جامعه و قابل تحمل بودن نشان برای رژیم قرار دادند، لذا با عدم "مساعدت" طولانی شرایط جامعه هنوز با انکار بهمان سیاست "صبر و انتظار" خودشان را سرگرم نگه داشته اند و برای تغییر اوضاع و مساعدت شرایط داخل هیچگونه برنامه مشخص گروهی یا سازمان ندارند. از این بین سنت تاریخی هنگامی بیرون می آیند که اوضاع ایران تغییر بکند و سپس اینان برای بهره گیری از آنچه تغییر کرد به داخل کشور حلوین احوال "دواعتد فرمود". اما اوضاع را کسی تغییر خواهد داد و برای ورود اینها مهیا خواهد کرد خلق و سازمانهای پیشاهنگ یا مرحمت جناحهای امپریالیستی و قدرتها جهانی؟ برای یکمده رشد و نفوذ و اعتبار کشور "سوسیالیستی شوروی" برای عده ای دیگر چین بوده ای و برای ترنسیکیست هاهم که بدنیان تنز "انقلابات سوسیالیستی در کشور های شوروی" برای آزادی کشورهای سه قاره با انتظار نشسته اند و با این نژدهم جنبشهای انقلابی شوروی را بدون پشتیبانی و هم حقانیت انقلابات سه قاره را مخدوش میکنند و در عمل هم به جنبشهای کارگری شوروی و هم به جنبشهای آزادیبخش سه قاره خیانت میکنند. بالاخره برای عده ای هم رشد تضاد های بین امپریالیستها و تغییر جناحهای امپریالیستی، مثلا روی کار آمدن امپریالیستهای صنایع تولیدی و سبک.

جناح راست خرده بورژوازی پس از رستاخیز سیاهلک دو قسمت گردید. بخشی که برحکم شوروی "عین و انقلاب جهانی" کشورهای صنعتی غرب عقیده مند بود و هنوز هم هست، اما روزه مسلحانه خلق و تلاش مردم ایران را از همان آغاز ناچیز شمرد و جنبش مسلحانه را جنبشی انحرافی و تروریستی دانست. ولی بخش "این جناح که بیشتر بورژوازی بود و نژاد یسیون جبهه ملی را بدنیان کرده معیارهای جنبش برایش آمیدی بیار نمی آورد زیرا معیار او برای تغییر جامعه، تغییر اوضاع جهانی و رشد تضاد های بین امپریالیستها، نمونه سالهای ۳۹ تا ۴۲ بود تا از مرحمت این تضاد، شاید بتواند چند روزی براریکه صدارت بنشیند و باصطلاح "ایران را آزاد کند" این بخش اخیر برای جمع آوری نیرو، از جایگاه شامه اش تیز بود و رشد نیروهای بالفعل بسوی جنبش را می دید، و بعد سو استفاده ابتدا بطرف یک سازمان انقلابی داخل (سازمان مجاهدین خلق ایران) گرایش داشت و سپس بطرف سازمان پیشاهنگ دیگر (سازمان جریکهای فدائی خلق ایران)، و اکنون هم که بنظر او اوضاع جهانی دارد "مساعدت" از این سازمان هم فاصله گرفت. اکنون خرده بورژوازی راست که برای تغییر اوضاع ایران امیدش را نه مبارزه خلق و سازمانهای پیشاهنگ آن، بلکه تماما "بچارچوبه بقافیزیک و نیروهای بیرون از خلق ایران" بسته است، و می گویند جنبش انقلابی داخل را بی اعتبار سازد. البته ما اساسا توده های ساده ولی پیرو این رهبریهایی اپورتونیستی را از رهبریشان جدا می کنیم، بویژه مشظور ما توده هایی است که با شتابه بدنیان رهبریهایی جبهه بحیال خدمت به سازمانهای انقلابی حرکت می کنند. ما یقین داریم پروسه تجزیه اجتناب ناپذیر در این سازمانها هم چنان ادامه خواهد یافت تا نمای توده های حامی آن راه واقعی خود را یافته و با روی آوردن بطرف جنبش انقلابی مسلحانه جایگاه واقعی خود را در پیروی و حمایت صادقانه از

سازمانهای مسلح خلق بیابند. گروههای اپورتونیستی با انکار باین نظرات انحرافی که تغییرات درون جامعه نه از درون خلق و سازمانهای انقلابی آن، بلکه بدست "غیب" خارج از ایران روخته شده است، و همگی عجولانه در هر نوشته و یا هر تریبون علیه جنبش انقلابی موضع می گیرند تا کوی سبقت را از هم برابند. مقالاتیکه سازمانهای طوفان "انقلابی"، "کونیستها" و جریان انحرافی ترنسیکیستی، بقا- یای رهبری حزب توده بارها و سالها علیه سازمانهای پیشاهنگ خلق نوشته اند، یکی و دوتا نیست و تازگی هم ندارد. اگر آنها مواضع ضد جنبشی خود را روز بروز علی تروکینه تروانه تری نمایند در مقابل "رهبریهایی جبهه ملیم با بحضای درگوشی و با چاپ قلات و استفاده از ترمیمهای عمومی، مواضع ضد جنبش انقلابی و سازمانهای پیشاهنگ آن میگیرند. با مواضع "یک تیر، دو نشان" رویشان را بجاهدین می گیرند همزمان با آن سازمان دیگر یعنی جریکهای فدائوسی حمله می کنند. "اخیرا طی جزوه ایکه از طرف باصطلاح یک گروه "مارکسیستی" درون جبهه چاپ شده (معلوم نیست این گروه مارکسیست - لنینیست داخل جبهه ملی چه می کند؟! برنامه اش چیست؟ عملکردش کدام است؟ چرا در جبهه ملی حل شده است و چرا اینکه نظراتش عوض مارکسیستی همه اش جبهه ای است؟) نویسندگان مقاله بدون اینکه روشن کنند که چطور شد بیکباره همه مسائل جنبش و دشمنان آنرا فراموش کرده، بدون اینکه هیچگونه موضعی علیه مواضع خائنانانه حزب توده، یا اپورتونیستهای دیگر و جریان انحرافی ضد کارگری و ضد خلق ترنسیکیستی بگیرد، بیکاره یاد پلیکم و موضعگیری علیه مجاهدین خلق افتاده اند، آنچه موضعگیری و مرز بندی بین خود و مجاهدین. در حرافیکه خوب می دانند بعلمت علیات نظامی سازمان مجاهدین علیه جاسوسان امریکائی و اعزام انقلابی ه نفر از آنها در ایران، و امپریالیسم امریکائی نسبت به سازمان مجاهدین خلق ایران حساسیت دارد! این جزوه که "بیرامون مواضع آید تلوپوزیک سازمان مجاهدین خلق ایران" نام دارد، ما را بیاد جزوه "جریکهای فدائوسی خلق چه می گویند" نوشته بقایای کمیته مرکزی حزب توده که با موضع گیری مغرضانه و خائنانانه اش می خواست خود را در برابر رژیم فاشیستی شاه غسل تعمید دهد و نشان دهد که راه حزب توده چه راه بی خطری است می اندازد. حالا اینها چه می خواهند بدست آورند؟ که عجولانه دارند کدی تاریخی "بقایای" رهبری حزب توده را بصورت تراوی تکرار می کنند؟ آری دریک عدد هکی اپورتونیستهای راست جمع شده اند تا از بورژوازی لبرال ایران که گویا می باید صحنه برتقاءه یونان و اسپانیا را اینبار برایشان در ایران تکرار کند و باین تبعید - بیای خارج پناه دهد، استقبال کنند. برای اینها تقاضای ندارد که این "جایگاهشها" برای تثبیت منافع امپریالیسم است یا برای رهائی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران. باین علل است که امروز جناح راست خرده بورژوازی و بخش تبعیدی آن در خارج از کشور چون بخش داخلی جناح راست خرده بورژوازی در ایران با بی همتی تمام بعد از سالهای ۴۲ تاکنون سکوت و تمکین اختیار کرده است. اینان بجای پشتیبانی از سازمانهای پیشاهنگ خلق، در مقابل آن سینه سپر کرده و با طرح باصطلاح شعارهای "چپ" ولی در واقع راست، جنبش انقلابی مسلحانه را نفی می کنند. اینها تثبیت مبارزه مسلحانه پیشاهنگی سازمانهای مسلح خلق، مرحله فعلی جنبش بسیج توده ها، ضرورت پذیرش رهبری سیاسی سازمانهای انقلابی مسلح خلق و بالاخره محوری بودن مبارزه مسلحانه را قبول ندارند استدلالهای اب اپورتونیستها برای اثبات نظرات خود و نفی دستاورد های جنبش انقلابی مسلحانه آنقدر ذهنیکرایانه و دور از واقعیت است که کتر میتوان آنرا جدی گرفت. اساس این استدلالات تحریف نظرات سازمانهای پیشاهنگ، تحریف و تغییرهای تاریخی و وصله کردن این تحریفات بهم وبدست آوردن یک نتیجه ذهنی و با آن واقعیت را نفی کردن می باشد. اپورتونیستهای بی عمل خارج، برای صحت ادعاهای خود

هیچگونه معیار مشخص پرتیکتی ارائه نمی دهند. میخواهسته صحت نظراتشان را خارج از مسلک مبارزاتی خلق، فقط در بر خورد های نظری تعیین کردند. حال آنکه تئوری و نظر، اگر علمی باشد و نه فقط ذهنی، حقایق خود را فقط در عمل اثبات می کند. ولی کجاست معیارهای علمی اپورتونیستها، کدامیک از این باصطلاح سازمانها و احزاب خارج از ایران توانسته اند کوچکترین ارتباطی با جامعه خود و حتی اطلاع صحیح از وقایع داخل آن داشته باشند. کدامیک قادر نشده اند حتی یک جز از تحولات خود را در جامعه پیاده کنند. اپورتونیستهای خارج از کشور، معمول خرده بورژوازی و پشت زده، و زبون و عاجز از مقابله اساسی با دشمن و درکشان از جامعه معمه نیز اساسا نادرست و تحلیلی است. بعنوان نمونه درگیری های سازمانهای پیشاهنگ را با نیروهای مزدور رژیم در نظر بگیریم. اپورتونیستها در هر مقابله شاخه هائی از سازمانهای مسلح یا رژیم، بدون آنکه اهمیت سیاسی و نقش آنها در جامعه بشناسند، تنها بشعارش نابودی عناصر دشمن و یا شهید ای خلق می پردازند. اگر انقلابیون، در درگیری بدون دریافت هیچ ضربه و فقط دشمن را نابود کنند این عمل را مثبت و تأیید می کنند ولی اگر عده ای از رفقای فدائی و مجاهد و یا هر گروه انقلابی دیگر شهید شوند آنها شکست انقلابیون ارزیابی می کنند و سر نوشت خوبی برای سازمان و جنبش پیش بینی نمیکنند. ارزیابی آنان صرفا مکانیکی است، آنچه در شرایطی که نیروهای مزدور دشمن هزاران بار از لحاظ کمی بر سازمانهای پیشاهنگ خلق برتری دارد. "اخیرا" بخشی از این اپورتونیستها تابع میگردند که "اگر از یک سازمان پیشاهنگ صد نفر شهید شوند ممکن است که سازمان از بین برود" این دیدگاه خرده بورژوازی مایوس از مبارزه خلق، از ماهیت منززل و مردود که ناشی از شرایط اجتماعی آنهاست سرچشمه می گیرد. آنها بطور خجول و خفت زده، اما زیرکانه ناقوس شادی مرتکب یک سازمان پیشاهنگ را اعلام می کنند. قصدشان از این کار فقط اینست که فقط چند روز دیگر هم بزنگی سیاسی غیر مفید خود ادامه دهند. واقعیت این نیست که ضربات رژیم تعیین کننده میرندگی و بیسالیانگی سازمانهای مسلح پیشاهنگ خلق می باشند، زیرا در شرایطیک حکومت فاشیستی ضربه خوری امری طبیعی است که در تمام سطوح جنبش خلق، حتی بر گرد بی عملان نیز وارد می شود، بلکه رشد یابندگی این سازمانها تعیین کننده سر نوشت، زندگی یا مرگ آنان می باشد. رشد یابندگی یک سازمان نه در ضربه نخوردن آن بلکه در داشتن استراتژی و تاکتیک درست مبارزاتی و در ایمان و صداقت انقلابی، در داشتن تئوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و بیسیوسند با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و بالاخره در اعتقاد بدک مادی تاریخ و قبول رسالت تاریخی توده های زحمتکش و طبقه کارگر در تغییر دیکتاتوری جامعه می باشد. اینها آن واقعیاتی هستند که اپورتونیستها و دیگر جریانات عقب مانده خرده بورژوازی نمیتوانند درک کنند. سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران در طول حیات ظفرنمون خود بارها ضربات زیادی از رژیم فاشیستی و نوکر امپریالیسم شاه خورده اند. سیاهلک را در نظر بگیریم که تمام پیشاهنگان دسته کوهستان شهید شدند. سال ۵۰ را در نظر بگیریم که سازمانهای جریکهای فدائی خلق ایران و مجاهدین خلق ایران چه ضربه های سنگینی خوردند که منجر بد سنگریبها و شهادت رفقای زیادی راز لغوا و کادرسای رهبری آنان گردید. تکرار این ضربه ها را ببینیم که در سالهای ۵۳ و ۵۴ رخداد و حال پایان کار را ببینیم. در کدام یک از این ضربه ها چه در جز و چه در کل، سازمانهای پیشاهنگ ازین رفتند؟ حال آنکه پس از هر ضربه پیشاهنگان انقلابی خلق نیرومندتر از پیش، با طاعتیت بیشتر و با عزمی راسخ تر از گذشته راه رهائی خلق، راه مبارزه مسلحانه را ادامه دادند. آری اگر این ضربه بسادگی میتوان یک سازمان بی ریشه اپورتونیستی را از بین ببرد، و خرده بورژواهای اپورتونیست نیز همین محتوی را دارند. تا جایککه بیش از ۲۰ سال است باتمام سازمان

گسترده باد همسبگی سازمانهای مسلح خلق با طبقه کارگر و زحمتکشان ایران

بقیه در صفحه ۹

وی اثری نگردد و در مقابل خطر انهدام قرار می گیرد در نتیجه : نخست - برای تحکیم امر تثبیت مبارزه مسلحانه و سپس برای رشد این مبارزه و توده ای کردن آن امر بسیج توده مسلح ضرورت قاطع دارد . حال بینیم که بسیج توده ها چگونه تحقق می یابد

برای بسیج توده ها مبارزه ، پیشرو انقلابی طبقه کارگر می گوید خوب رابطه کارگر و انتشار خلقی نزدیکتر کند . از طریق تبلیغ مسلحانه از مبارزات آنان حمایت نماید و حول محور مبارزه مسلحانه مبارزات بخشهای مختلف خلق را سازمان دهد .

در این مرحله از مبارزه ، پیشاهنگ مسلح خلق در هر کجا که مبارزه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان جریان یابد حضور مییابد . بعنوان مثال در دفاع از مبارزات کارگران کارخانجات پارچه باقی تهران ، بلافاصله جهت پشتیبانی از آن ، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران حضور یافت . طی اعلامیه های خواستهای کارگران را متعسف نمود . بنا برخواست کارگران ، مردم تهران را از جریان اعتصاب مطلع کرد و دانشجویان دانشگاهها را دعوت بحمايت از اعتصاب کارگران نمود . به همین جهت با الهام از اعلامیه ۱۶ اردیبهشت سال ۱۳۵۵ سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ، دانشجویان دانشگاه تهران اعتصاب کردند و نظاره های در میدان اعدام به پشتیبانی از اعتصاب کارگران برگزار کردند .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دانشجویان را به نزدیکی بیشتر از پیش با کارگران و تشکیل سلولهای سیاسی دانشجویی - کارگری تبلیغ و تشویق مینماید . از دانشجویان میخواهند ، که مبارزات اعتراضی علیه رژیم و امپریالیستها در حله های کارگری و از راه مردم تشکیل دهند و در ضمن آن اهداف جنبش انقلابی مسلحانه ، و سازمانهای پیشرو آنها بتوده خلق معرفی بنمایند . در بسیاری از موارد سازمانهای پیشاهنگ با عملیات مسلحانه علیه مقامات و مسئولان طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را سرکوب کردند . با اقدام به پشتیبانی توده است . این حمایت ، به کمک گذاری در پاسگاه و زندانهای رودسر در پشتیبانی از اعتراض ، دهقانان این ناحیه علیه قطع آب برای زمینهایشان ، کمک کرد . در ساختمان اداره گاز استان خراسان در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۵ میباشد ، که جهت پشتیبانی از کارگران منطقه خراسان در مقابل ظلم بی حد وزارت کار بود . و در این متوال سازمان مجاهدین خلق ایران در منطقه شمران تودر رابطه با پشتیبانی از مردم زحمتکش این محل ، دو انفجار در پاسگاه پلیس نارمک و شهرداری نارمک ، تکمیل کشتار مردم بود ، انجام داد .

اینها خود نمونه هایی از پشتیبانی سیاسی و نظامی پیشاهنگان خلق و طبقه کارگر از جنبش اقتصادی زحمتکشان و کارگران میباشد ، که نظایر آن بارها و بارها توسط دو سازمان پیشاهنگ ، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران پیوسته انجام میگردد .

جنبش انقلابی مسلحانه در مرحله دوم استراتژیک - مرحله بسیج توده ها - نیز هر دو شکل مبارزه ، یعنی شکل سلامت آمیز و شکل تهر آمیز را بکار میبرد . در این مرحله نیز شکل تهر آمیز مبارزه مسلحانه محور سایر اشکال مبارزات خلقی قرار میگیرد . رفیق بیژن جزینی مسئله محوری بودن مبارزه را در این مرحله مورد تحلیل قرار داده میگوید :

" نقش محوری مبارزه مسلحانه در جنبه های زیر نهفته است : الف - در حالی که تاکتیکهای سیاسی میتوانند نیروها را به راه رز به بر ضد رژیم بکشانند ، تداوم این مبارزه و بکار گرفتن آن در راه سرنگون ساختن دستگاه حاکمه از طریق تاکتیکهای نظامی بدست میآید . گسترش و تکامل مبارزه توده ها از مراحل اقتصادی و سیاسی مرحله نظامی مستلزم ادامه و رشد مبارزه مسلحانه در ایران است .

ب - مبارزه مسلحانه عامل برانگیزنده توده ها بر ضد رژیم است . گرچه این نیروها در مرحله معینی از مبارزه قادر به شرکت در مبارزه مسلحانه نیستند ولی کشتن آنها بمبارزه علیه دستگاه حاکمه

نهایشان خارج از مرزهای ایران تمیدی شده اند . لکن این ضربه ها و صد ها برابر قویتر از آن ها هرگز قادر نیست یکسازمان پیشاهنگ انقلابی را از بین ببرد . این ضربه ها بعنوان یک عامل خارجی وقتی موثر واقع می شوند که درون پدیده ضعیف باشد و آمادگی از بین رفتن نداشته باشد . مثل تشکیلات حزب توده و جبهه ملی ، که اولی با گذشت دو سال از تعقیب جدی حکومت کودتا از بین رفت و دومی از همان روزهای اول کودتا ، ولی این ضربه ها سازمان انقلابی طراز نوین ، یعنی سازمان انقلابی مسلح پیشاهنگ چریکهای فدایی خلق را بوجود آورد و رشد داد . اگر ریاست از وارد شدن این ضربه ها برتن بیمار سازمانهای خارج از کشور حتی مانع ورودشان بایران شده و در همان خسارچینکوب و تبعیدشان کرده است ، لکن این ضربه ها به پیچیده نتوانست یک اسیر انقلابی را در زندانها و شکنجه گاهها از جرات مبارزه نمودن و در برابر رژیم پایداری کردن باز دارد و حتی نتوانست یک نفر انقلابی را از ایران بیرون کند .

آری خرد و بورژواها مجبوند که بعلمت منافع تنگ نظرانه شان بر از بین خود هیچ چیز را بینند . لکن انقلابیون وفادار طبقه کارگر در عظمت تسلیم ناپذیری و مصالح محدودیت ناپذیر خود ، در اعماق خلق زیستی می کند و خلقها از بیست ترقی هستند . آیا اپورتونیستها هنوز نمی دانند که با این بهانه جوئیها تیرا جوییها از پیشاهنگان خلق ، توده ها را فریب می دهند و بر خلاف خواستشان نیروی آنها را بهدر می دهند و بر ضد جنبش انقلابی مسلحانه مصری میکنند ، امریکه خود جنایت بزرگی است ؟ بدون شك اپورتونیستها که با خواست شرقی توده های صادق سازمانها در تضاد قرار دارند ، بزودی در انتظار خلس رسوا خواهند شد و مورد بازخواست همین توده ها هائیکه امروز فریشتان می دهند قرار خواهند گرفت .

حال که به نیت این فرصت طلبان واقف گردیدیم و دانستیم که ایرادشان جنبش انقلابی نهایت بهانه ایست برای برهیزان مبارزه ، جسدی و توجیه عدم مبارزات ، عدم روحیه انقلابی ، عدم ایمان بخلق و مصالح بیرون تار یا بود و خواهان ادامه یک زندگی سیاسی بسی مسئولیتی می باشند . ما زمانیکه این محتوی ضد جنبشی آنان را در توجیهاتی زیر نام " فکر مستقل سیاسی " می بینیم ، حقانیت اندیشه های انقلابی سازمانهای پیشاهنگ در جلوی چشممان می درخشند . این حقانیت معیار علمی ، تجربی و عینی دارد . باید از این سازمانها الهام گرفت و درستی و نادرستی هر جریان سیاسی را از مواضعش نسبت باین سازمانها ی پیشاهنگ سنجید . آیا جریانهای خارج از کشور نیز حاضرند با الهام از پیشاهنگان خلق ، مسلح سیاسی و عطفی و تشکیلاتی خود را ارتقا دهند و بر اپورتونیسم مزمن تاریخی خود غلبه کنند و امکانات خود را صادقانه در اختیار سازمانهای انقلابی قرار دهند و از الهام آنان بطبقه کارگر و زحمتکشان ایران خدمت کنند و در امر انقلاب رهائی بخش موثر واقع گردند .

مبارزه مسلحانه در راه بسیج توده ها جنبش مسلحانه با پشتسرگرداشتن مرحله تثبیت ، اکنون آماده می شود که توده ها را بمبارزه جلب کند و مبارزات اقتصادی آنان را به سطح سیاسی و بالاخره به سطح مبارزه انقلابی و مسلحانه پیشاهنگ ارتقا دهد . در این مرحله بسیج توده ها مست که سازمانهای پیشاهنگ خلق ایران ، به تشکل های کارگران و دیگر زحمتکشان ایران ناظر می شوند . بر همین اساس سازمان چریکهای فدایی خلق ایران تبلیغ مسلحانه را محور سایر اشکال مبارزاتی خلق و اساس پشتیبانی خود از این مبارزات قرار داده است . توده ها در این مرحله بیش از پیش بمبارزه علاقمند می شوند و بتدریج از پیشرو انقلابی شناخت دقیق حاصل می نمایند . و شراد با آن عناصر پیشرو سازمانهای پیشرو انقلابی ایران جلب می شوند . در این مرحله توده ها در ارتقا حمایت معنی خود از پیشرو حمایت مادی از آن می پردازند .

بسیج توده ها بمبارزه اقتصادی - سیاسی در عمل بخش تفکیک ناپذیر مبارزه مسلحانه پیشتاز است . زیرا مبارزه مسلحانه اگر نتواند توده ها را بحرکت درآورد ، در نهایت نیز خود منفرد

مستقیماً تحت تاثیر مبارزه مسلحانه قرار دارد . به این ترتیب مبارزه مسلحانه در بمبارزه کشیدن توده ها نقش عمده دارد . ج - مبارزه مسلحانه در مقابل توده ها دستگاه حاکمه و بخشی کردن تاکتیکهای نیاز دارند و سرکوب کننده رژیم نقش اساسی دارد . چنانچه این مبارزه ادامه نیابد رژیم براضی تسلیم بسرکوبی جنبش اقتصادی و سیاسی خواهد بود . رژیم از یکسو با اعمال قهر ضد انقلابی میتواند توده را سرکوب سازد و از سوی دیگر باتاکتیکهای ضد انگیزه ای توده نومید را فریب داده چهره خود را پنهان سازد . در نتیجه رکود و خفتان برجسته با اقتصادی و سیاسی حاکم میگردد .

مبارزه مسلحانه از یکسو قهر انقلابی را جهت خشنی کردن قهر ضد انقلابی بکار میگیرد ، از سوی دیگر چهره واقعی دستگاه حاکمه را پیش توده ها و در سطح جهانی با کمترین شکل آشکار میسازد . این هر دو باعث میشود که توده پس از هر ضربه رژیم بیاخیزد و خفتان دلخواه رژیم بر جامعه مستولی نشود . از این حیث نیز مبارزه مسلحانه برای جنبش نقش اساسی و محسوری دارد " (****)

در اهمیت محوری بودن مبارزه مسلحانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن پیام خود بکنگره کنگره آسیون جهانی میگوید :

" مبارزه مسلحانه بعنوان عمده ترین و مناسبترین شکل مبارزه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما است و تاکتیکهای غیر نظامی و اشکال دیگر مبارزه را تنها در رابطه با این شکل عمده و با درک نقش محوری آن موثر دانسته و بکار میندیم . منطقی بر شناخت و تحلیل ما از جامعه هیچ سازمان سیاسی و هیچ تشکیلات سیاسی نمیتواند بدون اینکه مبارزه مسلحانه را محور فعالیت خود قرار دهد ، در جهت توده های شدن سر نماند . " (پیام چریکهای فدایی خلق ، ه.د.ک ج .)

در این مرحله که بسیج توده ها در پیش است سازمان های پیشاهنگ طبقه کارگر و خلق در دخالت خود در مسائل سیاسی جاری در جامعه می نمایند ، توسط عملیات ترویجی و تبلیغی نظرات افکارانه و روشنگرانه خود را نسبت بامر مختلف برای مردم توده صریح میدهند . با درک مسائل مشخص طبقه کارگر و سایر اقشار خلق ، پیشنهادهای مشخص و شعارهای مورد نظر توده ها را برای مبارزه آنان تنظیم میکنند و جهت بحرکت درآوردن آنان بر محور این شعارها فعالیت میکنند .

در این مرحله سازمانهای مسلح پیشاهنگ تاکتیکهای نظامی را وارد زندگی اقتصادی و سیاسی توده میکنند . در عمل سازمان پیشاهنگ انقلابی در جریان اعتصابهای کارگران و زحمتکشان طی اعلامیه ها موضع پشتیبانی خود را از قبل اعلام میکند و به کارفرمایان در انجام خواستهای توده زحمتکش هشدار میدهد ، و آماده است که هرآنکه نتوانی کارفرمایان رژیم باعث درهم کوبیدن اعتصابیون بشکستن اعتصاب وزیر با گذاردن خواستهای کارگران گردد ، دست بعملیات انتظامی نظامی بزند . با تبلیغاتیکه بطور دائمی در بین کارگران برای نشان دادن ماهیت رژیم و کنگسی رژیم و کارفرمایان میکند ضرورت رشد اتحاد و تشکل مبارزه کارگران را برای جلوگیری از سرکوب در خواستهایشان توضیح میدهد . توضیح اینکه مبارزه علیه کارفرمایان باید توام با مبارزه علیه رژیم و بالاخره جهت سرنگونی آن باشد . توضیح اینکه تنها قهر انقلابی قادر است طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را در تحقق خواسته هایشان پیروز گرداند و با این تبلیغات سیاسی زمینه ای را آماده میسازد که عملیات نظامی پیشاهنگ در هنگام سرکوب توده بحرکت خواست توده درآید و اعمالش علیه دشمنان خلق مانع تاثیر منفی عامل سرکوب در روحیه کارگران کشته آنان را بادامه مبارزه تشویق نماید . با انجام خواست انتظامی طبقه کارگر و زحمتکشان از دشمنان آنها ، توسط عملیات نظامی ، در توده های مبارز خلق اهمیت سازماندهی ، قهر انقلابی و مبارزه سیاسی - کار را از ریشه درست کردن - سرنگونی رژیم و بالاخره پیوستن به پیشرو انقلابی خود درک میشود ، باین

بقیه در صفحه ۵

مبارزه مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما

رفیق حمید اشرف یک چریک فدایی خلق و کمونیست کبیر انقلابی

اطلاعیه



نشریه جریون شماره ۱۱ - من ماه - بهمن ۱۳۵۵

طبق اطلاعات موثقی که از طرف نیروهای انقلابی و مبارز بدست ما رسیده است و همچنین برخی شواهد و علائم دیگر سیروس نها - بندی که در سال ۱۳۵۲ جنمو مشککی از زندان فرار کرده است یکی از عناصر فعال ساواک می باشد . این جاسوس خود فروش و پسا پلیس "انقلابی" "پس از" فرار از زندان بدستکاری سایر همکاران پلیس اش با سؤ استفاده از شو مبارزاتی فرزندان خلق و نام و اعتبار " سازمان رهائی بخش خلقهای ایران " که در سال ۱۳۵۰ بوسیله پلیس کشف و اکثر قریب بانفاق عناصر رزنده آن هنوز سر زندان هستند ، دست با چپا و گسترش یک شبکه گسترده پلیسی بنام " سازمان آزاد بخش خلقهای ایران " زده است . ما این اطلاعات را با توجه به ضرورت قوی آگاهانیدن عناصر و نیرو های مبارز داخل و خارج از کشور نسبت باین توطئه پلیسی که با آبرو خیانتهای تشکیلات تهران حزب نوده و مرد هزار چهره شهرت یافته می باشد . باختصار با اطلاع عموم نیروهای مبارز خلقا ن می رسانیم و توضیح کاملتر و دقیقتر حول چگونگی فعالیت اینس جریان را با در نظر گرفتن احتمال دریافت اخبار و اطلاعات مضلتر و روشنتری در آینده به بعد موزکلی می کنیم .

ملاحظات و اطلاعاتی که برای هشدار نیروهای انقلابی و مبارز و کلیه هواداران و همپانتهای جنبش انقلابی در درجه اول اهمیت قرار دارد عبارتند از :

- ۱) درگیری " یک گروه ۲۰ نفری " با پلیس که در تاریخ ۳۰ / ۱ / ۱۳۵۵ اتفاق افتاد مربوط باین جریان می باشد . در این زد و خورد کتبر شبها در تن از انقلابیون ، رفقای شهید پرویز واعظ زاده ، رحیم تشکری ، ماهرن خیال ، مهنا رشید ، جلال دهقان ، حسن زکی زاده ، مسعود صابری و محمد علی پاریان و دستگیری ۱۱ تن دیگر گردید ، مشخصا " سیروس نهاوندی دست داشته و احتمالا نفر بیستم که در اطلاعیه پلیس سرزنشش نامعلوم است همین خائن است .

بر طبق اطلاعاتی که بدست ما رسیده رفقای شهید و مبارزین - اسیر صلح ننوده و رژیم آنها را در زیر شکنجه و یا یک درگیری سا - ختگی و برنامه ریزی شده انیش ، برگزار سلسل بسته است . این اطلاعات حکایت از این دارد که هیت پلیسی سیروس نها - ونندی در روزهای قبل از درگیری برای اعضای صادق گروه آشکار شده . بوده است .

۲) این جریان پلیسی از طریق عناصر مبارزیکه حول خود گرد آورده است با سازمانها و گروههای انقلابی در تماس بوده و از این راه اقدام بدستگیری ، شر و مانعقب و مراقب اعضا " و عناصر این سازمانها و گروهها ننوده است . همین بن باختمال زیاد برخی از ضریات اخیر وارد جنبش از طریق این جریان پلیسی صورت گرفته است .

۳) این جریان توسط همان عناصر صادق و مبارزیکه در حول و حوش خود گردآوری کرده است ، اساسی و مشخصات اغلب سما - نیزانهای جنبش و بیشتر کسانی را که در ساحت دانشجویی و غیر دانشجویی آمادگی عضویت در سازمانهای انقلابی راداشته اند - بشه در صفحه ۶

فعالیتهای مقداتی این سه تن ۲۲ نفر از معتقدان راه قهر آمیز در یک گروه مخفی سازمان یافتند و شروع بعملیات تدارکاتی نمودند .

در مقاله تحلیلی از تکوین و تکامل گروه جزئی - ظریفی منتشره در ۱۹ بهمن نشونیک شماره ۴ در باره نقش حمید اشرف در سازماندهی گروه چنین می نویسد :

" در تابستان ۴۸ رفیق صفائی با بران بازگشت و مدتی در سا - زماندهی گروه همکاری کرد . بازگشت صفائی در بهبود وضع گروه موثر بود و بحرکت آن سرعت بخشید . رفیق صفائی دوباره به فلسطین بازگشت و در اوائل سال ۴۹ همراه رفیق صفائی به ایران آمد . از این پس رفقا صفائی و صفاری در گروه نقش درجه یک داشتند و همراه رفقا حمید اشرف ، اسکندر صادقی نوا در هادی فاضلی ، اسمعیل معین عراقی و غفور حسن پور گروه را اداره می کردند . در این موقع هشته مرکزی وظایف گروه را تعیین کرده و هسته ها و تیمهایی برای هر وظیفه مهم تشکیل داده بود .

تقسیم مسئولیتها و وظایف آنها شرح زیر بود : ... حمید اشرف مسئول ارتباطات .

رفیق حمید اشرف آخرین بار رفیق صفائی فراهانی را در ۱۶ بهمن ۴۹ (سه روز قبل از حمله به پاسگاه سیا هگل) در جنگل های جنوبی سیا هگل ملاقات می کند و او را از کم و کیف سیروس پلیس که جندی قبل صورت گرفته و تعداد زیادی از رفقا دستگیر شده بودند ، آگاه می کند . در این ملاقات دو رفیق بررسی های نهائی را در طرح حمله به پاسگاه سیا هگل و آغاز جنبش سلحانه ایران بعمل می آورند .

پس از رستاخیز سیا هگل و اقدام فرسوی خائن ، کوششهای سازنده رفیق حمید اشرف که مدلول ارتباطات گروه بود و از مدتها پیش با گروه رفیق احمد زاده ، مشغول مذاکره بود ، بتنبیحه قطعی خود نزدیک شد و با ادغام دو گروه در اوایل فروردین ۵۰ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بوجود آمد .

نقش با ارزش رفیق اشرف در زمینه سازماندهی از اشد اهمیت تشکیل سازمان تا کنون و بخصوص پس از ضریات سالهای ۵۰ - ۵۱ که سازمان از نظر کمی بسیار تحلیل رفته بود درخور یاد آوری است . او با کارایی بی نظیری توانست بخشهای ضربه دیده سازمان را ترمیم کرده و آنرا توسعه دهد .

در طی شش سال مبارزه سلحانه رفیق حمید اشرف بعنوان یکی از کادرهای سازمان مرکزی چریکهای فدائی خلق ایران تعداد زیادی عملیات مهم سلحانه را با موفقیت رهبری کرد و توانست در چندین درگیری با مزدوران رژیم با چابکی و سرعت عمل ابتکار عملیات را بدست گرفته و بر دشمن مسلط شود و بسا قاطعیت انقلابی پس از نابود کردن چند مزدور دشمن بملا مت بیابگاه خود بازگشته و مبارزه خویش علیه رژیم خائن شاه بسا شدت و کینه بیشتری ادامه دهد .

خصوصیات بارز او خوسروری ، قاطعیت و شکیبایی انقلابی بود . هنگام برخورد بانظرات و پیشنهادات و انتقادات رفقا ابتدا با دقت و شکیبایی تمام آنها را می شنید و سپس یکی یکی با آنها برخورد می کرد .

تیمت دهها چریک فدائی خلق و اثراتی که رفیق حمید اشرف در تمام ارگانهای سازمان بجا گذاشته است تماما واقفینهایسی هستند که وجود و تدایم تاثیر رفیق را در پیروسه رشد سازمان آشکار ساخته و ترجمان ادامه زندگی دیالکتیکی رفیق در جنبش انقلابی سلحانه است .

بقیه در صفحه ۶

رفیق کبیر حمید اشرف از سادات کراران و رهبران برجسته سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود . رفیق یک استراتژیست کبیر جنگ چریکی ، سازمانده بوقصدت ، نشورسین خلقی مارکسیسم - لنینیسم و پراتیسین بی نظیر سیرود سلحانه بود . ی شک خدماتی که رفیق اشرف هم در عرصه نشوری و هم در زمینه پراتیک به جنبش انقلابی سلحانه کرده است در آنگهان سطحی است که کمتر مبارزی فرصت آنرا یافته است در ایران عرضه کند .

۱۰ سال نبرد خونین در بحرانی ترین و بر تلاطم ترین شرایط کشور ما ، رفیق اشرف را به یولادی آمدیده مد دل کرده بسود بیوقعت او در جنبش سلحانه چنان بود که دشمن خلق - رزوم شاه خائن و اربابان امپریالیست - از آوردن نامش بخود می - لوزیدند و در مقابل ، قلب خلق از عشق با موسی شهید ، حماسه هایی که مردم بر اساس شناخت او در مقابل دشمن ساخته - اند گواه این عشق و محبت خلق بر زمینگان انقلابی و بخصوص صی اوست .

رفیق حمید اشرف نه تنها یکی از درخشانترین جهره های انقلابی خلق ما ، بلکه در شمار برحسته تسمین رزندگان انقلابی جهان می باشد .

بررسی زندگی رفیق حمید اشرف و نقش با اهمیت او در تکوین و تکامل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و رشد بی نظیر او که در رابطه مستقیم با پیروسه رشد سازمان می باشد ، در این مختصر نمی گنجد و در موقع خود بدین شرح آن پر داخته خواهد شد . آنچه در این جا آمده است نگاهی گذرا بر این زندگی است .

رفیق حمید در سال ۱۳۲۵ متولد گردید . از دوره دبیرستان به فعالیتهای سیاسی چپ جلب شد . سال ۴۵ در دانشکده فنی دانشگاه تهران در رشته مکانیک به تحصیل مشغول شد . رفیق اشرف قهرمان کوهنوردی و تیمسانیک بود . در طول تحصیل در دانشکده از فعالین برجسته سازمان دانشجویی بود در سال ۴۹ دانشکده را رانجام گذاشت و بعنوان یک کادر حرفه ای جهت تدارک مبارزه سلحانه در ایران بز زندگی انقلابی خود ادامه داد و تمام وقت خود را در خدمت این راه گذاشت .

رفیق حمید از دوران دبیرستان با گروه جزئی - ظریفی در تماس بود و در حوالی سالهای ۴۵ - ۴۶ بگروه پیوندد . پس از ضربه سال ۴۶ بگروه رفیق همراه دو تن دیگر از بازماندگان گروه که در ایران مانده بودند به سازماندهی گروه پرداخت و این گروه بعد ها به گروه جنگ معروف شد . سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در جزوه یکسال مبارزه چریکی در شهر و کوه در این باره چنین می نویسد :

" گروه جنگ بر مبنای فعالیت سه تن از کادرهای سابق تشکیل شد (این سه تن بازماندگان گروهی بودند که در سال ۴۵ با هدف ایجاد جنبش قهرآمیز در ایران تشکیل شد) گروه جزئی ظریفی (و در زمستان ۴۶ این گروه ضربه شدیدی خورد و رهبران اصلیش دستگیر شدند . عده ای از کادرها ، فرص طلبانه از جنبش کناره گیری کردند ، و تنها دو تن از واداران توانستند از کشور خارج شوند و به جنبش ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی فلسطین پیونددند . هدف این دو تن آن بود که پس از کسب تجارب نظامی به میهن بازگردند) . تنها سه نفر نامبرده (رفقا حمید اشرف ، اسکندر صادقی نوا و هادی فاضلی - ۱۹ بهمن) که فعالیتهایشان برای پلیس فاش نشده بود در ایران باقی ماندند تا گروه جدیدی را متکی - حارب گروه تک عود ، ساوا ، دهند . اساسا -

برافراشته باد پرچم ظفر نمون رستاخیز سیا هگل